

بررسی تاثیرات اجتماعی و اقتصادی ظهور استعمار بر شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس در عصر صفوی (سده ۱۰ و ۱۱ هجری قمری)

سلمان قاسمیان*

چکیده

شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس طی دوران اسلامی میراثی فرهنگی و تمدنی را بنیان نهادند، اما طی سده ۱۰ و ۱۱ قمری، تغییر شرایط و ظهور دو جریان هم‌زمان استعمار با مبانی فکری و سیاسی جدید و استبداد حکمرانان نورسیده عثمانی بر حیات اجتماعی آنان تأثیراتی گذاشت. این تأثیرات عمیق بیش از هر چیز ناشی از این مبنای اساسی بود که به واسطه تمرکز بینش و روش نوین اقتصادی و فرهنگی عناصر استعماری بر حوزه دریاها، تأثیر استعمار بر ساحل‌نشینان خلیج فارس از نظر کمی و کیفی عمیق‌تر و گسترده‌تر بوده است. این تحقیق با هدف بررسی تأثیر پدیده استعمار بر جوامع شیعی حوزه خلیج فارس، با رویکردی تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که تأثیر ظهور استعمار بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس چه بود؟ وجود تعارض میان آموزه‌های ظلم‌ستیزی شیعه با رویه‌های استعماری سبب رویارویی این دو جریان و بروز تأثیرات عمیقی بر حیات اقتصادی و اجتماعی شیعیان طی سده ۱۰ و ۱۱ هجری بوده است.

واژگان کلیدی

شیعیان، بحرین، احسا و قطیف، صفویه، استعمار.

*. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع) و مدرس دروس معارف اسلامی.

s.ghasemian@hom.ikiu.ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱

مقدمه

تاریخ شیعیان به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های اجتماعی و اعتقادی جهان اسلام که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات تاریخی منطقه خلیج فارس داشته است، تاکنون از سوی پژوهشگران این حوزه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. اینکه این میراث هویت‌ساز اسلامی طی چند سده اخیر با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته برای محو آثار و نمادهای آن به حیات خود ادامه داده و از جهاتی شاهد احیا و تقویت بوده است، محققین را به بررسی مبانی و شاخصه‌های فکری و تاریخی آن وامی‌دارد. اساس موضوعیت تشیع بحرین، احسا و قطیف در نگاه اول نه به‌واسطه مقتضیات سیاسی و اقتصادی عصر حاضر و پیوندهای تاریخی این منطقه با ایران بلکه ناشی از اهمیت میراث فرهنگی و تمدنی شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس به‌عنوان بخشی از میراث جهانی است و این تحقیق به‌دنبال بررسی رابطه میان پدیده استعمار با میزان تغییر در حیات اجتماعی و فرهنگی شیعیان است. آنچه در خصوص تاریخ اجتماعی سواحل جنوبی خلیج فارس و به‌خصوص شیعیان اهمیت دارد شرایط حاکم بر ادوار تاریخی و مؤثر بر تحولات اجتماعی این منطقه است. شیعیان این منطقه طی سده اول تا دهم هجری قمری، و منتهی به ظهور استعمار، توانستند بر مبنای اخلاق‌مداری و بر مبنای دین، جامعه‌ای رو به تعالی بنیان‌گذاری کنند. آنان در سایه امنیت نسبی در دریاها، طی دوران اسلامی میراث تمدنی و فرهنگی غنی را در احسا، قطیف و بحرین بنیان نهادند. سلسله حکمرانان شیعه، به‌خصوص عیونیان و آل‌عصفور وابسته به مراکز عمده جهان اسلام در این مناطق نقش بسزایی در تقویت حیات اجتماعی و فرهنگی ساحل‌نشینان داشته‌اند. طی دوران حکمرانی این خاندان‌ها شخصیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری در سرزمین بحرین و احسا رشد یافتند که نقش بسزایی در رشد و تعالی جوامع مسلمان در حوزه اقیانوس هند داشتند. در بعد اقتصادی که اساس حیات اجتماعی ساحل‌نشینان را در بر می‌گیرد، شیعیان در تقویت مناسبات اقتصادی و تجاری ساحل‌نشینان نقش مهمی داشتند و در میان بخش وسیعی از جامعه تجار، ناخدایان، بازاریان محلی و جامعه دینی داخل و خارج از حوزه خلیج فارس، شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی ایجاد شده بود که در تقویت تفکر شیعی مؤثر بود.^۱

اما در ابتدای دوره صفوی (آغاز سده ۱۰ هجری) شرایط تغییر کرد و ظهور جریان استعمار با مبانی فکری و سیاسی جدید بر حیات اجتماعی شیعیان تأثیر گذاشت. اینکه این شرایط متعارض قبل و بعد از

۱. محدث نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۳، ص ۳۸۹؛ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱، ص ۴۹۹؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۴۹؛ کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۵، ص ۲۶۶؛ ج ۱۳، ص ۱۳۲؛ تحیری، *دور العلماء الشیعه بالبحرین فی العلوم الإسلامیه*، ص ۱۹۲ - ۱۹۰؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۲۹؛ افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۳۰۴ - ۲۹۸؛ بحرانی، *لؤلؤة البحرین*، ج ۱، ص ۷۵ - ۶۴.

ظهور عصر استعمار و فراز و فرود شرایط تاریخی چه تأثیری بر هویت و حیات اجتماعی شیعیان و تعاملات اجتماعی آنان داشته است، جای بحث و تحقیق دارد. در بررسی و نقد منابع مرتبط با هویت اجتماعی شیعیان خلیج فارس، مجموعی از عوامل و موانع از جریان‌های فکری و تاریخی تا موقعیت جغرافیایی و اقتصاد محلی را باید مدنظر قرار داد. عدم شناخت نسبت به ماهیت تحولات تاریخی مرتبط با شیعیان منطقه خلیج فارس، به دلیل تکیه داده‌های تاریخی سده‌های اخیر بر منابع انگلیسی و بررسی تحولات تاریخی خلیج فارس تنها با دیدی خاص، لزوم پرداختن به موضوع با زاویه دید و بینش جدید را ضروری می‌نماید. از این رو، لازم است با رویکردی مبتنی بر شناخت ماهیت حقیقی تحولات سده‌های اخیر، دیدگاه منابع تاریخی موجود به نقد گذاشته شود. مهم‌ترین مشکل در این زمینه، کمبود منابع مآخذ است. با وجود اهمیت بحرین و احسا از دیدگاه منابع تاریخی و جغرافیایی آنها از مناطق حاشیه‌ای جهان اسلام تلقی شده‌اند. هم‌زمان به واسطه روند سریع تحولات در دو سده اخیر، نوعی بی‌اطلاعی جامعه علمی از تحولات سواحل جنوبی خلیج فارس در حوزه جریانات فرهنگی و مناسبات اجتماعی دیده می‌شود. مشکل دیگر متونی است که با دیدگاه خاص سیاسی، قومی و مذهبی و براساس تعارض منافع طی دهه‌های اخیر نوشته شده است. در خصوص شرایط اجتماعی و فرهنگی شیعیان در منابع رسمی عصر صفوی نکته قابل توجه کمی را می‌توان یافت. این روند بی‌توجهی به تناوب تا نیمه عصر قاجار و آغاز توجه ایران به خلیج فارس در عصر ناصری ادامه داشت.^۱ سفرنامه‌های عصر صفوی هرچند به بررسی‌های اجتماعی نیز توجه داشته‌اند، اما نویسندگان آنها بیشتر جهت تأمین منافع تجاری و سیاسی کشورهای مطبوع خود دست به تألیف این سفرنامه‌ها زده‌اند. در آثار تحقیقی دهه‌های اخیر نیز اثر مستقلی در خصوص تأثیرات مستقیم حضور استعمار در این منطقه نگاشته نشده است. متون محلی هم کمتر به موضوع تاریخ اجتماعی ساکنین در دوره موردنظر پرداخته‌اند. قبل از ظهور صفویه جریان تاریخ‌نگاری محلی در بحرین کمتر مورد توجه بود و این وضعیت تا سده اخیر هم ادامه یافته است.^۲ تاریخ‌نگاری ائمه علیهم‌السلام را می‌توان مهم‌ترین رویه محققین بحرینی در بیان تاریخ اسلام دانست.^۳ مورخین سده‌های بعد بحرین این شیوه تاریخ‌نگاری عصر صفوی را ادامه داده و اغلب آثار موجود در سده‌های ۱۲ تا ۱۴ هجری با همان سبک و سیاق عصر صفوی است و در آن جز موضوع صدر اسلام تنها به تراجم

۱. میرزا مهدی خان استرآبادی، ۱۳۴۱؛ فسائی، *فارسانه ناصری*، ۱۳۶۷؛ فضل بن روزبهان خنجی، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، ۱۹۹۲.

۲. آقا بزرگ تهرانی، *الدریعه*، ج ۲۰، ص ۱۷۳؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۴۱.

۳. آقا بزرگ تهرانی، *الدریعه*، ج ۱، ص ۴۹۹؛ افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۲۹۸ - ۳۰۴؛ امین،

اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۴۹؛ کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۵، ص ۲۶۶؛ ج ۱۳، ص ۱۳۲؛ بحرانی، *لؤلؤة البحرین*، ج ۱، ص ۶۴ - ۷۵.

احوال به صورت موردی یا مختصر به شرح احوال تعدادی از علمای بحرینی پرداخته‌اند.^۱ در آن سوی سواحل جنوبی خلیج فارس، در سده‌های اخیر مورخین عمانی در بیان تحولات تاریخی بحرین تنها به ذکر لشکرکشی‌های برخی از والیان بنادر محلی عمان به بحرین و چگونگی سیطره بر جزیره و یا حملات گهگاه به احسا و قطیف و هم‌زمان ذکر برخی قبایل ساکن در این مناطق بسنده کرده‌اند. ابن‌رزیک^۲ در *فتح المبین*، از کوی^۳ در *تاریخ عمان*، سالمی^۴ در *تحفه الاعیان*، سیابی^۵ در *عمان عبر التاريخ* و نیهانی^۶ در *التحفة النبهانیة* همگی به نوعی در خدمت دربار والیان و حکمرانان محلی عمان بودند.

از سده شانزدهم میلادی به واسطه حضور کمپانی‌های اروپایی، گزارش‌ها اقتصادی و تجاری بسیاری وجود دارد، اما این گزارش‌ها صرفاً تجاری بوده و کمتر منعکس‌کننده تحولات اجتماعی و فرهنگی هستند. برخی از این گزارش‌ها حاوی داده‌ها و آمارهایی است که می‌تواند در تحلیل وقایع، مدنظر قرار گیرد. اما سیاست نادیده گرفتن منافع ساکنین محلی و به‌خصوص مسلمانان در سراسر اسناد و گزارش‌های کمپانی‌های هند شرقی و دولت‌های اروپایی و به‌خصوص متون انگلیسی که مبنایی برای تألیف آثار لریمر،^۷ سالدانها،^۸ کلی^۹ و غیره بوده است، مشهود است. حال آنکه همین اسناد و گزارش‌ها امروزه منبع تحقیقاتی بسیاری از محققین ایرانی و عرب در حوزه خلیج فارس، به‌خصوص طی سده ۱۰ تا ۱۴ هجری / ۱۶ تا ۲۰ م است. تألیفات محققین مطرح انگلیسی نیمه اول سده ۲۰ م، یعنی لریمر، سالدانها (دو هم‌فکر لرد کرزن) و غیره همگی تحت تأثیر سیاست هند انگلستان تنها منافع شیخ‌نشین‌های تحت‌الحمایه انگلستان را در نظر می‌گیرند و کمتر به موضوع تحولات اجتماعی درون شیخ‌نشین‌ها و به‌خصوص شیعیان می‌پردازند. در کتاب‌های *Great Britain and the Persian Gulf* اثر

۱. آقا بزرگ تهرانی، *النریعه*، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۲۶۳؛ ج ۲، ص ۹۴؛ ج ۶ ص ۹۸، ۱۲۲، ۱۲۶؛ ج ۱۲، ص ۲۱۰، ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ ج ۲۲، ص ۲۴؛ ج ۲۵، ص ۱۱۸ - ۱۱۹؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۸۰. کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۴، ص ۴۴؛ ج ۱۰، ص ۲۲۶؛ تحیری، *دور العلماء الشیعه بالبحرین فی العلوم الإسلامیه*، ص ۱۹۶.

۲. ابن‌رزیک، حمید بن محمد، *الشعاع الشاعع باللمعان فی ذکر ائمه عمان*، تحقیق المنعم عامر، سلطنه عمان، وزارت التراث القومي و الثقافه، ۱۹۸۴ م.

۳. الازکوی سرحان بن سعید، *تاریخ عمان المقتبس من کشف الغمه*، حقه عبد المجید حسیب القیسی، سلطنه عمان، وزارت التراث القومي. ۱۹۸۶ م.

۴. السالمی عبدالله بن حمید، *تحفه الاعیان بسیره اهل عمان*، دهلی، الجز الثانی، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م.

۵. السیابی شیخ سالم بن حمود شامس، *عمان عبر التاريخ*، جز الرابع، سلطنه عمان، وزاره التراث القومي و الثقافه، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۴ م.

۶. نیهانی محمد بن خلیفه، *التحفة النبهانیة فی تاریخ الجزیره العربیه*، ط ۲، القاہره، المطبعه المحمدیه، ۱۳۴۲ ق.

7. G. Lorimmer.

8. S.Salldanha.

9. Kelly.

جی بی کلی، *gazetteer of the Persian Gulf* اثر سالدانها^۱ و *Gazetteer of the Persian Gulf* اثر لریمر تنها در چند مورد انگشت شمار به موضوع شیعیان اشاره می‌شود. تلاش برای نادیده گرفتن منافع مسلمانان و حذف سنت‌های محلی از طریق تلاش برای اثبات حقوق شیخ‌نشین‌های دست‌نشانده انگلستان در دو اثر با عناوین: *جزایر جنوبی خلیج فارس*^۲ و *مجموعه اسناد و قراردادهای تاریخی در خصوص کشورهای همسایه هند*^۳ که به قراردادهای تاریخی شیوخ سواحل جنوبی و انگلستان اشاره دارد نمایان است.^۴ تألیفات انگلیسی متأخر همچون *دریای پارس و سرزمین‌های متصالح*^۵، *خلیج فارس در آستانه قرن بیستم*^۶، *خلیج فارس در عصر استعمار*^۷ و کتاب *خاطرات سواحل دزدان* یا *The Pirate Cost* نوشته بالگریو، نماینده دیدگاه متضاد و معارض با شیعیان و به تعبیر خود - بومیان - است.^۸

در تحقیقات معاصر جهان عرب رگه‌هایی از گرایش‌های فکری آنان به جریان‌های سیاسی و فکری دنیای معاصر از ملی‌گرایی و کمونیسم تا لیبرالیسم و تمجید از استعمار و ضدیت با جریان‌های سنتی و اصیل شیعه وجود دارد. از جمله در کتاب *تاریخ الخلیج العربی الحدیث و المعاصر* (۱۹۹۸م) اثر زکریا قاسم در اغلب موارد، شیعیان عناصری به حاشیه رانده شده و یا دارای اندیشه‌های واپس‌گرا و غیرقابل تعمیم به جوامع مترقی ترسیم شده‌اند. این نوع نگاه‌های غیرمنطقی در میان محققین ایرانی نیز رسوخ کرده است و در برخی تحقیقات تاریخی در خصوص خلیج فارس مصادیق تاریخی واژه تاجر و بازرگان بحرینی و عمانی با هویتی غیر شیعی معرفی می‌شوند.^۹ در بسیاری از متون اخیر پژوهشگران ایرانی نظیر *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان*

1. Saldanha.

2. Toye.

3. Atkinson.

۴. برای نمونه رک: ماتیر، *الجزر الثلاث المحتله لدوله الامارات المتحده العربیه، طناب کبری، طناب صغری و ابو موسی*، ص ۴۳ - ۳۲ و ص ۶۷ - ۶۳ و ص ۱۴۵ - ۱۴۰.

۵. هاوولی دونالد، *دریای پارس و سرزمین‌های متصالح*، (امارات متحده عربی)، ترجمه حسن زنگنه، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۷.

6. Busch, K, *Britain and The Persian Gulf*, 1894-1914, Berkeley University of California Press, 1967.

۷. وادالا، رامی، *خلیج فارس در عصر استعمار*، ترجمه محمد شفیع جوادی، کتاب سحاب، تهران، ۱۳۶۴.

۸. القاسمی، الدكتور سلطان بن محمد، *دزدان دریایی در خلیج فارس*، ترجمه دکتر محمدباقر وثوقی، تهران، نشر همسایه، ۱۳۸۳.

۹. برای بررسی دیدگاه‌های ملی‌گرایانه و قومی و قبیله‌ای نسبت به تحولات تاریخی بحرین در متون تحقیقی معاصر در جهان عرب: رک: خضیر نعمان، العبید، *البحرین من امارات الخلیج العربی*، ط ۱ بغداد، مطبعه المعارف، ۱۹۶۹ م؛ عبدالرحمن عانی، عبدالکریم، *البحرین فی صدر الاسلام*، ۱ جلد، بیروت، چاپ: اول، الدار العربیه للموسوعات، ۱۴۲۱ ق؛ سنان محمود بهجت، *البحرین دره الخلیج العربی*، ط ۱ بغداد ۱۹۶۳؛ ابن بلیهد، محمد بن عبد الله النجدی، *صحیح الأخبار عما فی بلاد العرب من الآثار*، القاهرة، ج ۱ - ۲، مطبعه السنه المحمديه، ج ۳، مطبعه الامام، ج ۴ و ۵، مطبعه السعاده، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۱؛ سیف، مرزوق، *دول الخلیج العربی و اماراته*، مؤتمر الأدباء العرب الخامس المنعقد فی شباط ۱۹۶۵ م.

بستک، **بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس، خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار**^۲ و غیره به واسطه پرداختن به موضوعات کلان در خصوص شیخ‌نشین‌های خلیج فارس کمتر به موضوع سوابق تاریخی شیعیان و تحولات مرتبط با آنان توجه شده است.^۳ به‌طور کلی، در خصوص تحولات تاریخی مناطق شیعه‌نشین خلیج فارس طی چند سده اخیر مجموعه‌ای از منابع و متون مکتوب و شفاهی وجود دارد که با وجود عدم انسجام در بیان سیر منطقی حوادث، به فراخور اهمیت و اعتبار تاریخی می‌توان به رگه‌هایی از داده‌های مورد‌نظر دست یافت. در پژوهش‌های اخیر مرتبط با تاریخ بحرین به‌واسطه بی‌توجهی پژوهشگران به نقش اجتماعی دین، موضوع نخبگان شیعه در بحرین کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. منابع تاریخ عمومی و سلسله‌ای نیز به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خاص بحرین به عنوان بخشی از جهان اسلام کمتر به آن پرداخته‌اند. شرح و تفسیرهای طولانی و مبتنی بر روش‌های تحقیقی عصر جدید نیز اغلب مغرضانه و به جهت توجیه فعالیت‌های استعماری و توجیه اقدامات ضد شیعی دستگاه‌های حاکم بر جهان عرب تدوین شده‌اند. از این‌رو تاریخ مدونی در خصوص وضعیت شیعیان در دوران استعمار در دست نیست و تنها می‌توان به اشارات کوتاه و پراکنده منابع و متون تألیفی اشاره نمود. در این پژوهش سعی شده با تطبیق اطلاعات اسناد و منابع در خصوص سده‌های اخیر و مقایسه این منابع با تألیفات، آثار و گزارشات انگلیسی نسبت به تعیین میزان صحت اطلاعات موجود اقدام شود و به شیوه تحلیلی و نقد منابع به بررسی وضعیت شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس در دوران ظهور استعمار (دوره صفویه) پرداخته شود.

عوامل مؤثر بر تحول در حیات اجتماعی و اقتصادی شیعیان در سده ۱۰ و ۱۱ هجری

اهمیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس هرچند یک عامل تعیین‌کننده در بروز و ظهور گفتمان‌های حاکم بر تحقیقات تاریخی است، اما در بررسی هویت و میراث علمی و فرهنگ محلی باید کمتر مورد توجه قرار گیرد. چراکه ملاحظیات سیاسی و اقتصادی در جهت‌دهی به پژوهش‌ها و گفتمان‌های حاکم بر تحقیقات تاریخی مؤثر است. همچنین لازم است که توصیف و تحلیل‌های تاریخی حوزه‌های مرتبط با میراث فرهنگی و علمی کمتر تحت تأثیر این گفتمان‌ها قرار گیرد.^۴ به‌طور کلی تا قبل از سده دهم هجری،

۱. بنی‌عباسیان بستکی، *تاریخ جهانگیریه و بنی‌عباسیان بستک*، ص ۱۷ - ۱۲.

۲. وثوقی، *تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار*، ص ۶۶ - ۵۸.

۳. اقبال، *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، ص ۸۷ - ۷۱.

۴. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۸۰؛ کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۴، ص ۴۴؛ ج ۱۰، ص ۲۲۶؛ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۲۶۳؛ ج ۲، ص ۹۴؛ ج ۶، ص ۹۸، ۱۲۲ و ۱۲۶؛ ج ۱۲، ص ۲۱۰؛ ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ ج ۲۲، ص ۲۴؛ ج ۲۵، ص ۱۱۹ - ۱۱۸.

سلسله حکمرانان محلی وابسته به مراکز عمده جهان اسلام اغلب شیعه بوده و نقش مهمی در تقویت هویت اجتماعی شیعیان داشته‌اند. طی دوران حکمرانی این خاندان‌ها شخصیت‌های علمی و فرهنگی، بسیاری در سرزمین بحرین و احسا رشد یافتند. در ابعاد علمی و فرهنگی شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس طی دوران اسلامی نقش بسزایی در رشد و تعالی هویت و مکتب شیعه و حفظ و تعالی آن به‌عنوان یک میراث جمعی داشته‌اند. البته طی این دوره طولانی هویت شیعی صرفاً به فعالیت‌های علمی و فرهنگی خلاصه نشده است. در بعد اقتصادی نیز که اساس حیات اجتماعی ساحل‌نشینان را در بر می‌گیرد، تشیع به‌عنوان یک مبنای تقویت مناسبات اقتصادی و تجاری ساحل‌نشینان عمل کرده است. این مطلب به‌واسطه مبانی و اصول بنیادین فکری و اجتماعی اندیشه شیعی است که با فرهنگ و معیشت ساحل‌نشینان تناسب داشته است. هویت متعالی شیعی در بحرین و احسا طی چندین سده، مبنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ساکنین بوده است. طی این دوره طولانی میان بخش وسیعی از جامعه تجار، ناخدایان، بازاریان محلی و جامعه دینی داخل و خارج از حوزه خلیج فارس شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی ایجاد شده بود که در تقویت تفکر شیعی مؤثر بود. این مهم به‌خصوص در طی دو سده اخیر و هم‌زمان با ظهور پدیده استعمار به‌واسطه اخلاق محور بودن آن، یک مانع مهم در تسلط جریان‌های استعماری بوده است. آنچه به‌عنوان حضور و مداخله قدرت‌های استعماری در بستر و شبکه فعالیت‌های اجتماعی شیعیان اثری مستقیم گذاشت، نه تنها در حجم و گستره حضور آنان بلکه در کیفیت حضور و مبانی نظری و تفکری بود که در قالب شرایط عصر جدید برای شیعیان فراهم کرد. توجه به این نکته که تا قبل از ظهور استعمار، منطقه خلیج فارس در هیچ دوره تاریخی با حضور نظامی و سیاسی یک قدرت خارجی و حتی منطقه‌ای مواجه نبوده است، می‌تواند نقطه آغازی در بحث راجع به تأثیر اجتماعی و فرهنگی استعمار بر جوامع محلی شیعه در منطقه خلیج فارس باشد. طی دوره طولانی از صدر اسلام تا سده ۱۰ هجری جز در چند مقطع خاص، لشکرکشی نظامی در وسعت و حجم نیروهای استعماری در منطقه بروز نیافته است و این زمینه‌ساز نوعی آرامش و امنیت و ایجاد شبکه‌ای در هم تنیده از مناسبات اقتصادی و اجتماعی از شرق آفریقا تا هند و خلیج فارس بود. شبکه‌ای که با توجه به حضور گسترده ناوگان تجار معتبر بحرینی و غیره بستر مراودات اجتماعی شیعیان با حوزه وسیعی از جوامع از زنگبار تا هند بود.^۱ مهاجرت‌ها در این مقطع به شکل حضور شیعیان در شرق آفریقا و در مقابل حضور گسترده آفریقایی‌ها در نخلستان‌های قطیف و احسا و یا حضور آنان در صیدگاه‌های مروارید به‌عنوان خدمه

۱. افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۵، ص ۳۰۴ - ۲۹۸؛ کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۵، ص ۲۶۶؛ ج ۱۳،

ص ۱۳۲؛ بحرانی، *لؤلؤه البحرين*، ج ۱، ص ۷۵ - ۶۴؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۴۹.

کشتی‌ها تا حضور گسترده تجار و علمای شیعه در هند، ایران و عراق و واسطه‌گری تجار بحرینی در مراودات تجاری این حوزه وسیع و موارد دیگر بود. مهاجرت‌های معمول در قالب رفت‌وآمد علمای بحرینی به عراق، لبنان و ایران تا قبل از عصر صفوی وجود داشت.

در ابتدای سده دهم هجری جهان اسلام و به‌خصوص منطقه خلیج‌فارس، شاهد آغاز تحولاتی بنیادین بود که به تدریج مبانی فرهنگ و تمدن اخلاق‌گرا و عدالت‌خواه مبتنی بر آموزه‌های دینی را درگیر حوادث ناخواسته کرد. وضعیت جغرافیایی خاص این مناطق که قرن‌ها امنیت و آرامش نسبی را برای اهالی در برابر دست‌اندازی خلفای اموی تا پادشاهان سلسله‌های مختلف فراهم کرده بود، در شرایط در حال تغییر سده ۱۰ هجری، این مناطق را در معرض دست‌اندازی پدیده نوین استعمارگران اروپایی قرار داد. پرتغالی‌ها در ابتدا یک‌صدسال پرچمدار این فرهنگ اقتصادی و اجتماعی نوین بودند و در ادامه اسپانیا، هلند، فرانسه و در نهایت انگلیسی‌ها تا سده اخیر این مسیر را با سبک و روش‌های گوناگون ادامه دادند.^۱ هم‌زمان برای نخستین بار در ایران یک حکومت یکپارچه شیعی روی کار آمد، اما به هر حال این اتفاق هم‌زمان با دو اتفاق و تغییر مهم دیگر، بستری برای تغییرات تدریجی در تعاملات اجتماعی حوزه خلیج‌فارس شد. تا پیش از این در دوره‌های مختلف حکام کیش، سیراف، هرمز و غیره به نیابت از حکومت مرکزی ایران، جزایر خلیج‌فارس و همچنین سواحل جنوبی خلیج‌فارس را تحت نظارت خود داشتند اما اکنون با حضور مستقیم قدرت استعماری مسیحی شاهد شرایط نوینی بودند.^۲ اما آنچه اهمیت دارد اینکه برخلاف اغلب ملت‌های گرفتار در شرایط جدید که هویت و ارزش‌های خود را به تدریج کنار گذاشتند، شیعیان با وجود همه فشارها و باتوجه‌به تجربه‌های سخت پیشوایان دینی در تحمل مصائب، دچار وضعیت خودباختگی نشدند. بررسی برخی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شیعیان طی مقطع پیش و پس از سده ۱۰ هجری؛ نشان‌دهنده تداوم مسیر فرهنگی و علمی و درعین‌حال برخورد و مقاومت آنان در برابر شرایط جدید باتکیه بر مبانی و اعتقاداتشان است که به شکل فعالیت‌های مبارزاتی و تلاش در جهت حفظ و اعتلای میراث علمی و فرهنگی‌شان و مقابله فکری و فرهنگی با پدیده‌های ناخواسته جدید نمود یافت. از طرف دیگر استقرار حکومت عثمانی بر عراق و شبه‌جزیره عربستان و سلطه پُرفراز و فرود آنان بر حوزه جغرافیایی شیعیان خلیج فارس (به‌طورخاص واحه احسا) و دست‌اندازی‌های مکرر

۱ آقا بزرگ تهرانی تهرانی، *الدریعه*، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۲۶۳؛ ج ۲، ص ۹۴؛ ج ۶ ص ۹۸، ۱۲۲ و ۱۲۶؛ ج ۱۲، ص ۲۱۰؛ ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ ج ۲۲، ص ۲۴؛ ج ۲۵، ص ۱۱۸ - ۱۱۹؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۸۰؛ تحیری، *دور العلماء الشیعه بالبحرین فی العلوم الإسلامیه*، ص ۱۶۵ - ۱۶۴ و ۱۹۸ - ۱۹۳.

۲. میرفندرسکی، *امپراطوری مستعمرانی پرتغال در هند*، ص ۴۷؛ جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۱۲۳ - ۱۲۰.

آنان به قطیف و بحرین شرایط نابسامان دیگری را برای شیعیان ایجاد کرد. منازعات دوپست‌ساله عثمانی‌ها با پرتغالی‌ها و در ادامه انگلیسی‌ها بر سر نفوذ در مناطق شیعه‌نشین که تا اواخر دوره حکومت قاجارها ادامه داشت، از دوره‌های بسیار ناگوار تاریخی برای شیعیان این مناطق است. از این رو، چند رویداد سرنوشت‌ساز در سده‌های ۱۰ و ۱۱ هجری تأثیرات غیرقابل‌انکاری را بر حیات اجتماعی شیعیان گذاشت و زمینه‌ساز تضعیف حیات اقتصادی و اجتماعی شیعیان و جایگاه آنان در تحولات خلیج فارس شد. سه عامل مهم ظهور استعمار، ایجاد دولت عثمانی و استقرار صفویان در ایران در تغییر شرایط اجتماعی شیعیان خلیج فارس در مقطع عصر صفوی مؤثر بود. برای بررسی محور وقایع موثر بر شرایط اجتماعی شیعیان در درجه نخست باید به تأثیر تسلط پرتغالی‌ها بر خلیج فارس، عمان و بحرین (۹۰۷ تا ۱۰۲۰ ق) پرداخت. تأثیر استقرار حکومت صفوی بر وضعیت شیعیان خلیج فارس از دوره شاه اسماعیل (سده ۱۰ هجری) و هم‌زمان موضوع چرایی عدم ایجاد ارتباط مستقیم میان حکومت صفوی با ساکنین جزیره بحرین و شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس از دوره شاه اسماعیل تا پایان عصر صفوی، موضوعی است که در ذیل فرایند نقش‌آفرینی منفی استعمار در خصوص وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان باید مورد بررسی قرار گیرد.

روند ظهور و تسلط پلایه‌داران استعمار بر سکونت‌گاه‌های شیعی جنوب خلیج فارس

روند ظهور و نقش آفرینی استعمار در مناطق جنوبی خلیج فارس در دو مقطع سده ۱۰ و ۱۱ هجری، قابل تقسیم‌بندی است. در سده دهم هجری (۹۰۷ تا ۱۰۰۰ ق) پرتغالی‌ها طی چندین نوبت حمله تا دهه سوم سده ۱۰ هجری مهم‌ترین مراکز جمعیتی سواحل جنوبی خلیج فارس از جمله قطیف، بحرین و جلفار (امارات متحده کنونی) را تصرف کردند. ابتدا در سال ۹۰۴ ق / ۱۴۹۸ م، واسکوداگاما^۱ توانست با دور زدن دماغه امیدنیک خود را به اقیانوس هند برساند. در ادامه در ۹۱۳ ق / ۱۵۰۷ م البوکراک با ۶ کشتی و ۴۶۰ نیروی نظامی از جزیره سقطره تا رأس‌الحد تمام کشتی‌های صیادان خلیج فارس را آتش زد و به طرف قلّهات و سایر بنادر عمان حرکت کرد و برخی شهرهای ساحلی را از جمله خورفکان و مسقط به آتش کشید. از نقطه نظر نخستین تأثیر موج نخست هجوم استعمار بر حیات اجتماعی شیعیان این نکته اهمیت دارد که^۲ در مواقعی ده‌ها کشتی را همراه با ملوانان درون آن به آتش می‌کشیدند.^۳ از ۹۵۰ ق با تسلط عثمانی‌ها بر احسا و قطیف، بر سر نظارت بر این مناطق میان نمایندگان عثمانی و عوامل استعمار

1. Vasco-de-gama.

2. Sousa, *Manuel de Fariay The History of the die couruy and Conquest of India*, P. 126, 152-154, 165-167, Milles, *The countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 155-156.

۳. الدروره، *تاریخ الاحتلال البرتغالی للقطیف*، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

منازعاتی درگرفت که این نیز تأثیر مستقیمی بر حیات اجتماعی شیعیان داشت. بحرین تا ابتدای سده ۱۱ هجری در اختیار پرتغالی‌ها باقی ماند. کشتی‌ها و ملوانان بحرینی و قطیفی در همه حوزه اقیانوس هند و دریای عمان تا شرق آفریقا در رفت‌وآمد بودند. به‌جز آمار کشتی‌های تخریب شده در شرق آفریقا، بیش از ۴۰ کشتی در رأس‌الحد عمان با تعداد زیادی از ملوانان درون آن به آتش کشیده شد. در شهر قوریات بعد از قتل عام ۸۰ هزار نفر از اهالی، ۱۴ کشتی بزرگ اقیانوس‌پیما آتش زده شد.^۱ سپس هرمز موردتوجه نخستین استعمارگران قرار گرفت.^۲ درگیری‌های شاه اسماعیل صفوی با ازبک‌ها و عثمانی‌ها و شورش‌های خارجی در مرزهای شمالی، او را از پرداختن به مسائل جنوب ایران باز داشت.^۳ ملوک هرمز طی سده‌های ۸ و ۹ هجری، سراسر سواحل جنوبی خلیج فارس، و تجارت بخش مهمی از غرب اقیانوس هند را در حوزه نظارت خود داشتند.^۴ طی این دوره خاندان‌های شیعه در بحرین، هرمز و کرانه‌های عمان حضور فعالی داشتند و در جزیره هرمز مناصب اصلی از وزارت تا سپهسالاری ناوگان دریایی خلیج فارس را در اختیار داشتند. این سبب می‌شد که بسیاری از اقداماتی که در دریا از سوی بحرینی‌ها صورت می‌گرفت با حمایت و اطلاع وزیران و امرای فالی دربار هرمز صورت گیرد. وقایع مرتبط با این دوره نشان می‌دهد که شیعیان بحرین، هرمز، صحار، قطیف و قلهات، با هماهنگی خاندانی بانفوذ در دربار ملوک هرمز - خاندان شرفای فالی - که در میان آنان تاجران، علماء، امرای نظامی و وزرای مهمی سربرآوردند، در یک مقطع حساس تاریخی و در میدان منازعات چند قدرت سیاسی و نظامی طی قرون ۱۰ و ۱۱ هجری / ۱۶ و ۱۷ میلادی در معرض آزمونی مهم قرار گرفتند.^۵

تأثیرات اجتماعی حضور استعمار بر جوامع شیعی

در ابعاد اجتماعی باید گفت که تأثیر حضور استعمار بر شیعیان، در قالب و اشکال مختلفی بروز یافته است. از یک جهت حضور مستقیم و استقرار هیئت‌های نظامی و سیاسی و هیئت‌های تجاری سبب تغییر در ترکیب جمعیتی بنادر و جزایر حداقل به‌صورت موقت شد^۶ و از آنجایی که پرتغالی‌ها تلاش بسیاری برای استقرار کلونی‌های مستعمره‌نشین در کناره دریاها داشتند و این سبب استقرار تعدادی از اتباع مسیحی و

۱. ویلسون، *الخلیج الفارسی*، ص ۷۲.

۲. فلسفی، *زندگانی شاه‌عباس اول*، ج ۴، ص ۱۴۸.

3. Amirahmadi, *small Island big policy*, P. 39, Slot, P. 44-5, 132-50.

۴. *الاوراق السياسه فی الخلیج العربی ابان الغزو البرتغالی*، ص ۱۲۳.

۵. وثوقی، *تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس*، ص ۲۶۶ - ۲۶۵.

R. B. Serjeant *the Portugueses of the south Arabia Coast*, P. 323-425; miles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 137-201.

۶. مرضی الفتح، *ایجاز فی تاریخ البصره و احسا و...*، ج ۴، ص ۴۵۱.

پرتغالی در حوزه اقیانوس‌ها شد این روند در منطقه خلیج فارس نیز دیده شد.^۱ هرچند پرتغالی‌ها به واسطه ناتوانی در برخورد با اسلام نتوانستند به مانند سواحل آفریقا یا آمریکا بومیان را به تغییر آیین و پذیرش زبان و رسوم خود وادارند، اما به‌هرحال این وضعیت به‌طورموقت زمینه‌ساز حضور گهگاه تعداد زیادی از ملوانان، نظامیان و رهبران دینی و مذهبی کاتولیک در مراکز استقرار پرتغالی‌ها شد. تا جایی که آنان در مهم‌ترین مراکز حضور خود در قشم، هرمز و بحرین قلعه‌های نظامی و کلیساهایی بنا کردند.^۲ از آنجایی که در ابعاد محلی تداوم ارتباطات میان تجار محلی در هرمز و تجار و علمای بحرین زنگ خطری برای پرتغالی‌ها بود، پرتغالی‌ها برای کنترل این مراکز مهم اقدام به انتقال نیروی نظامی به تعداد زیاد و تأسیس پادگان‌های نظامی با هدف تغییر بافت جمعیتی برخی مراکز حساس کردند. با توجه به حجم زیاد اسلحه و کشتی‌های توپدار، نیروهای محلی نمی‌توانستند در برابر پرتغالی‌ها مقاومت کنند. در یک مورد در فرصت مناسب غیبت شاه اسماعیل از جنوب ایران - پرتغالی‌ها با ناوگانی مرکب از ۲۶ کشتی مجهز به توپ و مقادیر زیادی مهمات و اسلحه همراه با ۲۲۰۰ نیروی نظامی به بحرین یورش بردند.^۳ هدف اولیه تسلط بر بازار بزرگ بحرین، صیدگاه‌های مروارید و انقیاد قدرت تجار و ملوانان شیعه در این جزیره و استقرار نیروی نظامی بود. پرتغالی‌ها «به بحرین یکی از جزایر بزرگ و معروف خلیج فارس که مرواریدهای آن در سراسر آفاق شهرت تمام دارد، و بسیاری از غواصان بدین کار اشتغال دارند رو نهادند».^۴ طی نخستین حملات در سال ۹۱۲ ق / ۱۵۰۷ م، مراکز تجاری بحرین به شدت آسیب دید و تعدادی از تجار شیعه کشته و یا به هند و اروپا تبعید شدند.^۵ در بعد دیگر حضور مستقیم و بی‌واسطه تجار و سیستم مکرانتیلیسم اروپایی سبب برهم خوردن نظام و هنجارهای سنتی حاکم بر شبکه تعاملات تجاری حوزه اقیانوس هند شد. این وضع در منطقه خلیج فارس به شکل خاصی بروز یافت^۶ و برخوردهای اجتماعی مردم با تازه‌واردان سبب نوعی تعارض منافع میان آنها و بومیان گردید که به دنبال حفظ میراث تاریخی خود در حوزه تجارت و فرهنگ اقتصاد دریایی بودند. دو فرهنگ معارض - اخلاق محور شرق و فرهنگ انحصارگرا و مبتنی بر مکرانتیلیسم غربی - در این برهه زمانی به شکل خاصی در برابر یکدیگر قرار گرفت و این باعث بروز تعارضات و در عین حال درگیری، شورش و نارضایتی‌هایی از سوی بومیان بر

۱. فلسفی، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۴، ص ۱۵۲ - ۱۴۷.

۲. جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۴۹۴؛

Willem Floor, *The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities 1500-1700*, P. 109-108; Ronald Bishop, *The First Age of Portuguese Embassies*, P. 63.

3. Sousa, *The Portuguese Asia*, P.202-205; Jean Aubin, *Le Royaume d'ormuz au debut*, P. 123.

۴. جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۶۱۸ و ۷۳۵.

5. Birch, *The Commentaries of the Great Afonso d'Albuquerque*, No. 1, P. 66.

۶. وثوقی، *تاریخ خلیج فارس و سرزمین‌های هم‌جوار*، ص ۲۲۶ - ۲۰۱.

ضد حاکمان تازه‌وارد شد که در قالب شورش‌های سراسر سده ۱۰ و ۱۱ هجری در قطیف، احسا و بحرین خودنمایی کرد.^۱ باتوجه‌به تلاش برای ترویج فرهنگ و دیانت مسیحی، هیچ‌یک از پرتغالی‌ها از ترس شورش و قیام شیعیان در برابر استعمارگران حاضر به پذیرش امارت بحرین نبودند. از این‌رو، برخی بزرگان و نخبگان تاجر شیعه از طرف مردم بحرین بر این جزیره حکمرانی داشتند. نوعی هماهنگی میان شیعیان و اهل سنت در سراسر عمان تا بحرین وجود داشت^۲ و قیام از یک جزیره مثل بحرین و روستاهای قطیف شروع می‌شد و بعد به جزیره هرمز و دیگر بنادر تحت اشغال پرتغالی‌ها در خلیج فارس و دریای عمان سرایت می‌کرد.^۳ برای نمونه با هماهنگی خاندان فالی و تجار و رهبران شیعه در ذی‌حجه ۹۲۷ ق / نوامبر ۱۵۲۱ م قیام با تخریب نمادهای استعماری در سراسر خلیج فارس اوج گرفت.^۴ این قیام دامنه اجتماعی وسیعی داشت و به‌شکل تحریم کالاها و کشتی‌های پرتغالی باعث زمین‌گیر شدن توان اقتصادی و نظامی استعمارگران شد. از آنجایی که پرتغالی‌ها تنها بر قدرت نظامی توپ و تفنگ و ناوگان کشتی‌های خود متکی بودند، در چند نوبت سعی کردند با حمله و بمباران بنادر بحرین و قطیف بر انقلابیون پیروز شوند. عدم هماهنگی میان حکومت صفوی و قیام‌کنندگان مانع از دستیابی به نتیجه مطلوب شد.^۵ هرچند در ابتدای این قیام با کشته شدن امیر پرتغالی و نابودی بخشی از ناوگانش همه لشکریان او قتل‌عام شدند و تنها عده محدودی توانستند از معرکه فرار کنند، اما در ادامه، نبود برنامه و هدف مشخص سبب ناکامی رهبران قیام شد.^۶ طی این قیام‌ها ساکنین احسا که تحت سیطره عثمانی‌ها قرار داشتند نیز در کمک‌رسانی به اهالی قطیف دریغ نمی‌کردند.

در سال ۱۵۲۹ م نیز دور دیگری از قیام بروز یافت و تخریب‌های گسترده‌ای متوجه تأسیسات و ناوگان‌های دریایی شیعیان و آتش‌سوزی‌های گسترده مناطق شیعه‌نشین بود.^۷ چند نماینده پرتغالی برای مذاکره با عثمانی‌ها و صفویان اعزام شدند، اما باتوجه‌به گسترش اعتراضات ساحل‌نشینان هیچ‌یک موفق به توافق با ایران و عثمانی نشدند. اشاره اسناد پرتغالی به مقاومت سخت شیعیان بحرین در برابر این ویرانگری و بمباران و مرگ بسیاری از نیروها از جمله برادر حاکم هرمز نشان داد بحرینی‌ها حاضر به

1. Sousa, *the Portuguese Asia*, P. 256-257, Floor, *The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities 1500-1700*, P. 108-109.

2. Miles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 157; Floor, *The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities 1500-1700*, P. 108-109, Sousa, *The Portuguese Asia*, P. 263.

۳. ویلسن، *الخلیج الفارسی*، ص ۲۱۸.

4. Miles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 157-159.

5. Bishop, *The First Age of Portuguese Embassies*, P. 63.

۶. ویلسن، *الخلیج الفارسی*، ص ۲۱۹؛ بوشرب، «مسامحه المصادر و الوثائق البرتغالیه فی کتابه تاریخ البحرین خلال النصف الأول من القرن السادس عشر»؛ *مجله الوثیقه*، عدد ۴، ص ۱۳۲ - ۱۲۸.

7. Sousa, *the Portuguese Asia*, P. 333-334.

تسلیم در برابر بیگانگان نیستند.^۱ هرچند در سراسر عثمانی مردم با شنیدن اخبار ناگوار بنادر و جزایر و ظلم پرتغالی‌ها، دست به تحریم گسترده کالاهای اروپایی و طرد هیئت‌های تبلیغی و نمایندگان سیاسی و تجاری پرتغالی زدند،^۲ اما ناهماهنگی میان اهالی هرمز و قلهات با تجار شیعه در مسقط، صحار و شهرهای عراق و ایران و برخی کارشکنی‌های شیوخ محلی از جمله بنی‌جبور، زمینه‌ساز شکست قیام شد. قیام ۹۲۵ تا ۹۳۰ ق سراسر جنوب خلیج فارس با تسلط مجدد پرتغالی‌ها و سرکوب اهالی به پایان رسید و اقدام تلافی‌جویانه پرتغالی‌ها طی سال‌های ۱۵۳۸ تا ۱۶۰۰ م، باعث وارد شدن صدمات بیشتر بر شیعیان شد.^۳ و از آنجایی که پرتغالی‌ها، تنگه هرمز و مسیرهای کشتیرانی خلیج فارس را در انحصار و کنترل خود داشتند، دست به محاصره اقتصادی شیعیان بحرین و قطیف و وضع عوارض سنگین گمرکی بر کالاهای محلی زدند. هم‌زمان ناوگان‌های محلی در صیدگاه‌های مروارید در وضعیت ناامن و دور از مدیریت سنتی ناوگان‌هایی که از طرف حکومت مرکزی ایران تعیین می‌شدند، در انتظام صیدگاه‌ها و تأمین مایحتاج خود در وضعیت بحرانی قرار داشتند. ضمن اینکه حضور آنان در صیدگاه‌های مروارید با مخاطرات عدیده از جمله حملات ناوگان‌های دریایی پرتغالی‌ها و یا مصادره کشتی و اموال آن به هر بهانه‌ای مواجه بود. هم‌زمان، از پدیده‌های جدیدی که در سده ۱۶ میلادی به‌عنوان بخشی از تأثیرات حضور استعمار نمایان شد موضوع «دزدان دریایی» بود. دزدان دریایی مورد حمایت اروپایی‌ها، کشتی‌ها را آتش می‌زدند و یا ملوانان را زنده با دست بسته به دریا می‌انداختند. فقر ناشی از ناباسامانی اوضاع و فرار بخشی از تجار محلی به تضعیف روزافزون شرایط اقتصادی و اجتماعی شیعیان منجر شد. به‌هرحال، پرتغالی‌ها با این نوع اقدامات موفق به وارد کردن ضربه‌های سنگین بر اقتصاد و معیشت اهالی بحرین و قطیف شدند.^۴ مردم شهر قطیف که در دست بنی‌جبور قرار داشت،^۵ برای رهایی از دست پرتغالی‌ها سعی کردند از نیروهای عثمانی کمک بگیرند.^۶ طی چند سال بعد ارتباطاتی میان اهالی با کارگزاران عثمانی ایجاد شد که در نهایت به حمله لشکریان عثمانی و تصرف قطیف در سال ۱۵۳۹ م منجر شد.^۷ عثمانی‌ها هدف از این لشکرکشی را رهایی مسلمانان از جور و ستم استعمارگران بیان کردند، اما اقدامات آنان در احسا و قطیف در ادامه ستم پرتغالی‌ها مردم محلی را به ستوه آورد. زمانی که «مانع بن راشد» فرمانده نظامی منتصب

1. Ibid, P. 334-335.

۲. قائم مقامی، مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال، ص ۳۲ - ۳۵، ۳۸ - ۳۷ و ۴۱ - ۳۹.

۳. مجله الوثیقه، عدد ۴، ص ۱۳۳ - ۱۲۹؛ آل عبد القادر، تحفه المستفید، تاریخ الأحساء فی القدیوم و الجدید، ص ۱۲۱.

۴. وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار، ص ۶۶ - ۶۲.

۵. مجله الوثیقه، عدد ۴، ص ۱۳۲ - ۱۲۸.

۶. المعبری الملبیاری، تحفه المجاهدین، ص ۲۸۰ - ۲۷۷.

۷. مجله الوثیقه، عدد ۴، ص ۱۳۴.

از طرف عثمانی‌ها دست به اقدامات ضد شیعیان زد و خود را برای یورش به جزیره بحرین آماده می‌کرد مردم علیه او دست به قیام زدند و او را وادار به فرار به بصره کردند.^۱ در ۹۵۷ ق پس از اعلام رسمی دولت عثمانی برای نظارت مستقیم بر احسا و اعزام گروهایی از نظامیان با تجهیزات برای ساخت قلعه‌های نظامی و مراکز نظامی، قیام از بصره تا تنگه هرمز را در بر گرفت و اغلب نیروهای عثمانی وادار به فرار شدند.^۲ از ۹۵۷ ق شهر قطیف به دست عثمانی‌ها افتاد و تا پایان دوره صفوی در دست آنان باقی ماند.^۳ قیام‌ها از مسیر ضد استعماری به قیام‌های ضد استبداد تغییر جهت داد.^۴ مردم قطیف طی این دوره طولانی بارها دست به قیام بر ضد نیروهای عثمانی زدند. شیخ و عالم مشهور قطیفی «ابوعلی بن ناصر بن حسین بن مقلد» (متوفی ۹۹۹ ق) هدایت برخی از قیام‌ها را بر عهده داشت و در اغلب موارد با اخراج مأموران عثمانی و در ادامه بهره‌برداری پرتغالی‌ها از نابسامانی اوضاع با حملات مکرر آنها مواجه شدند.^۵ در قیام‌های ۹۵۰ تا ۹۹۰ ق «آل مقلد» از عوامل اصلی هدایت برخی قیام‌ها بودند و در مواردی که برپاکنندگان قیام در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند، ناچار دست به مهاجرت به ایران، هند، عراق و یا جزیره بحرین می‌زدند و در صورت ضرورت از آنجا نیز به جاهای دیگر مهاجرت می‌کردند.^۶ از این رو، مهم‌ترین بعد تأثیرات اجتماعی حضور استعمار در سراسر قرون ۱۰ تا ۱۴ هجری / ۱۵ تا ۲۰ میلادی موضوع مهاجرت‌های گسترده‌ای است که اهالی مناطق مختلف و به‌خصوص شیعیان در برابر استعمار و یا عثمانی ناچار به این اقدام بودند. در این موارد به‌خصوص از آنجایی که تازه‌واردان اروپایی و ترکان تازه‌وارد عثمانی برای ایجاد پیوند محلی سعی می‌کردند با برخی قبایل غیرشیعه که عموماً از منطقه نجد عربستان به سواحل می‌آمدند هم‌پیمان شوند و بر ضد بومیان که غالباً شیعیان بودند یک اعتلاف نجدی - اروپایی یا نجدی - عثمانی شکل می‌گرفت. به همین خاطر نجدی‌های اهل سنت که مورد حمایت عثمانی‌ها نیز بودند در مواردی با حضور نظامی، بومیان شیعه را ناچار به مهاجرت می‌کردند. همین پدیده مهم‌ترین زمینه را برای استقرار شیخ‌نشین‌های وابسته به غرب و کاهش نفوذ شیعیان در سواحل جنوبی و به‌خصوص در مناطق شیعه‌نشین بحرین، احسا و قطیف فراهم کرد. عثمانی‌ها با توجه به در اختیار داشتن قدرت نفوذ در میان قبایل عرب، از سوریه و عراق تا شبه جزیره،^۷ و انتقال بخشی از این قبایل به سواحل

1. J. G. Lorimer, *Gazetteer of the Persian Gulf*, vol. B2, P. 6.

۲. مرضی الفتح، *ایجاز فی تاریخ البصره و احسا و...*، ج ۴، ص ۴۵۱ - ۴۵۰.

۳. جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۲۲۴ - ۲۲۱ و ۲۳۸ - ۲۳۵؛ فیلس، *تاریخ عمان*، ص ۴۳ - ۴۹.

۴. المسلم، *ساحل الذهب الأسود*، ص ۱۷۲ - ۱۷۱.

5. Miles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. ۱۶۸

۶. المسلم، *ساحل الذهب الأسود*، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

۷. مرضی الفتح، *الایجاز فی تاریخ البصره و احسا و...*، ج ۴، ص ۴۵۰ - ۴۶۸.

خلیج فارس و یا انتقال نظارت سنجاق احسا به پاشای بغداد و والی بصره از نیروی انسانی قبایل برای اداره سنجاق احسا و به خصوص برای پیشبرد اهداف خود بر ضد استعمار و بر ضد شیعیان بهره برداری کردند.^۱ کوچ قبایل و استقرار آنان در مناطق شیعه‌نشین^۲ در کنار استقرار پادگان‌هایی از سپاهیان «پنی چری» و یا نیروهای عرب که اغلب با انتقال خانواده و اهل و عیال آنها صورت می‌گرفت، در مناطق روستایی و شهری تأثیرات عمیقی داشت و این مبنایی برای مهاجرت‌های گسترده عتویبان (آل خلیفه، آل صباح، آل سعود، آل ثانی و غیره) به سواحل خلیج فارس طی اواخر عصر صفوی شد.^۳ تأمین هزینه نگهداری سربازان و مستمری آنان از محل مصادره زمین‌های کشاورزی و مصادره اموال تجار و سرشناسان محلی^۴ باعث تغییر مالکیت بسیاری از زمین‌های کشاورزی شد. این اقدام مهاجرت شیعیان به جزیره بحرین، ایران و هند را به همراه داشت.

تأثیرات فرهنگی حضور استعمار بر شیعیان خلیج فارس

در بعد فرهنگی تا قبل از ورود استعمار به خلیج فارس نهادهای فرهنگی شیعیان براساس پیوند با نهادهای اقتصادی عمل می‌کردند. به این معنی که در سراسر دوره باستان تا دوره اسلامی به واسطه تکیه فرهنگ و معاش دریا بر ناوگان‌های دریایی و نقش بارز ناوگان‌های دریایی بر روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگی میان بنادر و جزایر حوزه دریاها، اغلب رهبران دینی بر پایه پیوندهای عمیقی که با تجار، ملوانان و ناخدایان داشتند موضوع روابط با حوزه اقیانوس هند را براساس برنامه‌های زمان‌بندی حیات دریا و اقتصاد دریایی تنظیم می‌کردند. در مورد سفرهای دریایی نقش بادهای موسمی و جریان‌های دریایی برای تعیین زمان سفرها مهم بود. اما با ظهور استعمار و تکیه ناوگان‌های دریایی غرب بر کشتی‌های نوع «کاراول»^۵ که کمتر براساس پیوند محیط و رفتار انسان عمل می‌کرد این سیستم سنتی به هم خورده و به علاوه تازه‌واردان چندان تمایلی به حفظ سنت‌های محلی نداشتند و حتی در تقابل با آن اقداماتی انجام دادند. با بستن مالیات‌های سنگین بر سیستم‌های سنتی ارتباطات و کشتی‌های بومی و محلی و با

۱. همان، ص ۴۶۶.

۲. Mandeville, *The Ottoman Province of al-Hasā in the Sixteenth and Seventeenth Centuries*, P. 488-489, 492-498, 518-510.

۳. استفورد، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ص ۴۹۹.

۴. Mandeville, *The Ottoman Province of al-Hasā*, P. 511-513

۵. کاراول Caravel یک نوع کشتی براساس سیستم بادبان سه گوش بود که اولین بار ایرانی‌ها آن را اختراع کردند و در کتاب ادیسی نیز تصویری از آن وجود دارد، اما اروپایی‌ها در قرن ۱۵ م / ۱۰ ق برای اهداف استعماری از آن بهره بردند و در کنار سیستم توپ که آن هم اختراع چینی‌ها بود و چینی‌ها از به کار بردن آن در دریا به دلایل انسانی خودداری می‌کردند، موفق شدند عصر استعمار را آغاز کنند. (برای اطلاعات بیشتر رک: هابسون، *ریشه‌های شرقی تمدن غرب*، ص ۱۲۸ - ۱۲۲).

اقداماتی نظیر حمله و تخریب امکانات بندری و غرق کشتی‌ها به بهانه‌های مختلف و آتش زدن امکانات محلی ضررهای مالی هنگفتی بر شبکه روابط تجاری و اجتماعی محلی وارد کردند. از این‌رو، برهم خوردن سیستم سنتی ارتباطات دریایی در حوزه اقیانوس هند سبب متضرر شدن تجار و ملوانان در سیستم شبکه تعاملات دریایی و کاهش توان مالی تجار و ملوانان شد و این به نوبه خود باعث شد بخش مهمی از منابع مالی که در قالب کمک‌های مردمی از سوی ملوانان، بازرگانان، تجار و ناخدایان در اختیار امور فرهنگی و مذهبی همانند ساخت بناهای مذهبی چون مساجد، حسینیه‌ها و برگزاری مراسمات دینی قرار می‌گرفت از دست نیروهای بومی خارج شده و در اختیار تازه‌واردان قرار گیرد.

از دیگر تأثیرات فرهنگی غرب تلاش برای «تبلیغات تبشیری» بود. از فعالیت‌های مؤثر بر جوامع محلی در دوره حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس، تلاش آنان برای ترویج مذهب کاتولیک با عنوان فعالیت تبشیری یا تنصیری بود.^۱ این نوع فعالیت‌ها در بسیاری از جوامع شرقی زمینه‌ساز نوعی دودستگی میان اهالی شد. هرچند در خصوص مناطق مسلمان‌نشین از سوریه و لبنان تا جنوب شرق آسیا، فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی متقابل علمای شیعه و اهل سنت مانع از ایجاد چنین وضعیتی در جامعه می‌شد.^۲ میزان موفقیت آنان در حوزه اقیانوس هند براساس نوع دیانت و عقاید گروه‌های هدف متفاوت بود. بررسی فعالیت‌ها تبشیری برخی روحانیون تابع کلیسای کاتولیک در سرزمین‌های غیرمسلمان در آمریکا، آفریقا و هند تا شرق آسیا موفقیت‌آمیز بود. اما در مناطق مسلمان‌نشین دریای عمان و خلیج فارس تقریباً هیچ موفقیتی نداشتند. یکی از موانع تبلیغات آنان در درجه نخست تضاد این آموزه‌ها با فرهنگ اصیل و جاافتاده به‌خصوص در میان اعراب شبه‌جزیره بود. ضمن اینکه از همان ابتدا هدف پرتغالی‌ها ضربه زدن به تجارت مسلمانان عنوان شده بود و اهالی جزایر و بنادر خلیج فارس به‌طور مستقیم و ملموس در معرض ویرانگری آنان قرار داشتند. از این‌رو به‌خصوص در مناطق شیعه‌نشین که مدام با قیام‌های مردمی

۱. یکی از زمینه‌های مهم طرح مسائل فقهی در این دوران رواج برخی منکرات دینی بود که هرچند پادشاهان صفوی سعی داشتند از این مسائل اجتناب کنند، از نیمه عصر صفوی برخی مشکلات به تدریج با افزایش حضور مسیحیان در حوزه خلیج فارس و ایران به عادت تبدیل شد. (آقا بزرگ تهرانی، *ذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۱، ص ۱۷۴) رساله‌های مرتبط با حرمت برخی بدعت‌های مسیحیان (همان: ص ۱۷۴؛ افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۴، ص ۲۷۲؛ خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۴، ص ۳۸۲) تلاش برای کمک به پیوندهای اجتماعی گروه‌های بازاریان و تجار تا ملوانان و کشاورزان، موضوع رسوخ موسیقی‌های جدید و طرب آلود و بسیاری موارد دیگر زمینه‌ساز تلاش برخی علما برای مقابله با شرایط جدید ناشی از حضور استعمارگران و رسوخ فرهنگ و کالاهای آنان در جامعه شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس بود (خوانساری، *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۵۹۸ - ۴۳۰؛ آقا بزرگ تهرانی، *ذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۳۵ - ۲۳۲؛ حائری، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران*، ص ۴۸۹ - ۴۸۴؛ شاردن، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ص ۶۲۱ - ۶۱۹).

۲. حائری، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران*، ص ۴۸۹ - ۴۸۴؛ شاردن، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ص ۶۲۱ - ۶۱۹.

مواجه بود، پرتغالی‌ها با وجود توزیع متون و مبلغین متعدد تا دوره قاجار موفق به کمترین پیشرفتی در این زمینه نشدند. آخرین مرکز حضور آنان در کلیساها و دیرهای بندر کنگ و بندر لنگه نیز بی‌نتیجه ماند. اینکه نحوه گرایش به مسیحیت در مناطق شیعه‌نشین به مراتب کمتر بود را باید در نقش علمای شیعه در مساجد و حسینیه‌ها جستجو کرد. علمای شیعه در دوره صفوی هم‌زمان با گسترش فعالیت‌های مذهبی فرقه‌های مختلف مسیحی در خلیج فارس اقدام به تقویت مباحثات در مدارس، مساجد و حسینیه‌ها برای مقابله با این گفتمان‌های جدید استعماری کردند. آگاهی ساکنین خلیج فارس از شیعیان و اهل سنت نسبت به اهداف استعماری پشت این فعالیت‌های تبلیغی نقش مهمی در موفقیت علما در این روند مقاومت در برابر مسیحیان داشت. تا جایی که در اغلب موارد در مناطق مسلمان‌نشین، پرتغالی‌ها ناچار بودند مراکز نشر دینی و نمایندگی کلیساها را در درون قلعه‌های نظامی مستقر کنند.^۱ هم‌زمان با این رسوخ و سیطره فرهنگ و آداب و رسوم اروپایی و مسیحی، کارشکنی و ظلم و ستم نیروهای عثمانی و مالیات‌های سنگین اعمال شده بر آنان و هم‌زمان رقابت با صفویان در شبه جزیره و عراق و به‌خصوص دوره سلیمان قانونی - عصر طلایی عثمانیان - باعث ازدیاد فشار بر شیعیان شد.^۲ عثمانی‌ها از فرصت ظهور و دست‌اندازی استعمار برای مشروعیت دینی اهل سنت و مشروعیت سیاسی حضور خود در سواحل بحرین، احسا و قطیف بهره بردند^۳ و این یکی دیگر از تأثیرات غیرمستقیم حضور استعمارگران بود که برخی رهبران محلی هم تشویق به پذیرش حضور نیروهای سنی‌مذهب عثمانی می‌کردند. اقدامات عثمانی‌ها در چند جهت به نسبت پرتغالی‌ها تأثیر بیشتری داشت. عثمانی‌ها با توجه به قدرت نفوذ در میان اعراب اهل سنت، از سوریه تا شبه جزیره،^۴ با انتقال قبایل به سواحل خلیج فارس تحت نظارت پاشای بغداد و والی بصره از نیروی انسانی عراق و بصره و قبایل نجد برای پیشبرد تبلیغات مذهبی خود بر ضد استعمار و شیعیان بهره‌برداری کردند.^۵ کوچ قبایل و استقرار آنان در مناطق شیعه‌نشین در کنار استقرار پادگان‌هایی از سپاهیان پنی چری و یا نیروهای عرب، تأثیرات زیادی بر هویت فرهنگی مناطق شیعه‌نشین داشت.^۶

۱. وسینچ، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ص ۱۶؛ حائری، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران*، ص ۵۱؛ پورگشتال،

تاریخ امپراطوری عثمانی، ج ۲، ص ۱۳۴۲ - ۱۳۳۲؛ مظفر، *تاریخ شیعه*، ص ۱۵۸.

۲. حائری، «امپراطوری عثمانی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، *جستارهای نوی‌ن ادبی*، ش ۶۹، ص ۴۳۵ - ۳۲۵.

3. Mandaville, *The Ottoman Province of al-Hasā in the Sixteenth and Seventeenth Centuries*, P. 488-489, 492-498, 518-510.

۴. مرضی الفتح، *الایجاز فی تاریخ البصره و احسا و...*، ج ۴، ص ۴۶۸ - ۴۵۰.

۵. همان، ص ۴۶۶.

۶. استنفورد، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ص ۴۹۹.

ابعاد تأثیرات حضور استعمار بر مناسبات اجتماعی و روابط محلی و منطقه‌ای شیعیان
ابعاد تأثیرات اجتماعی حضور استعمار به واسطه این شرایط را می‌توان در چند بستر مهم مورد ارزیابی قرار داد:

الف) قطع کامل روابط میان ساحل‌نشینان و حوزه ماوراء بحار

در بعد قطع روابط تا قبل از حضور شرکت‌های اروپایی، ناوگان‌های دریایی محلی در تعامل با یکدیگر در شبکه‌ای گسترده از روابط در سطح وسیعی از حوزه اقیانوس هند در رفت‌وآمد بودند. کشتی‌های بزرگ اقیانوس‌پیما براساس شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی و براساس یک برنامه‌ریزی سالانه طبق جهت بادهای موسمی مسیرهای چین، هند و آفریقا را طی کرده و در تعاملات بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. همین روابط زمینه‌ساز تأثیرات اجتماعی و انتقال مبانی فکری مسلمانان در حوزه وسیعی از اقیانوس هند بود که سبب توسعه اسلام در شرق آفریقا تا چین شد. اما از سده ۱۵ میلادی / ۱۰ هجری حضور ناوگان‌های دریایی اروپا و درگیری و منازعات کلان سیاسی و نظامی که در دریاها رقم زدند باعث بروز ناامنی دائم در مسیرهای تجارت شرق و غرب شد و بخش مهمی از کشتی‌های بومی نیز در درگیری‌های پیش‌آمده به عمد و یا به صورت سهوی هدف توپخانه‌ها قرار گرفته و یا دچار آتش‌سوزی شده و از بین رفتند. هم‌زمان بروز دشمنی‌هایی میان عثمانی و یا صفویان با کشورهای اروپایی سبب می‌شد که اروپایی‌ها به واسطه قدرت عملیات توپخانه و آتشبار و آزادی عمل در دریاها اقدام به ضربه زدن به ناوگان‌های محلی در سراسر حوزه اقیانوس هند کنند. از این رو به تدریج طی سده ۱۰ و ۱۱ هجری کشتی‌هایی که پیشتر در مسیرهای تجاری چین، شرق آفریقا و خلیج فارس در رفت‌وآمد بودند از چرخه تعاملات خارج شدند و این سبب قطع روابط میان مسلمانان در سراسر حوزه اقیانوس هند شد.^۱

ب) کاهش سطح روابط میان ساحل‌نشینان و حوزه‌های منطقه‌ای

در بعد کاهش سطح روابط از آنجایی که با کشتی‌های کوچکتر و به صورت کرانه‌نوردی و در قالب ارتباط میان بنادر و جزایر نزدیک به هم مثل مکران، عمان، خلیج فارس، یمن و دریای سرخ صورت می‌گرفت، اقدام شرکت‌های اروپایی در تخریب امکانات دریایی و نابودی کشتی‌هایی که در بنادر و جزایر محلی حضور داشتند با هدف ضربه زدن به تجارت محلی و انحصار در تجارت دریایی سبب کاهش سطح روابط میان این مراکز نزدیک به یکدیگر شد. طی سده ۱۰ و ۱۱ هجری، در اثر کاهش سطح روابط میان بنادر و جزایر مهم حوزه خلیج فارس و دریای عمان، بنادر این مناطق به تدریج از رونق پیشین دور شدند. از

۱. هابسون، ریشه‌های شرقی تمدن غرب، ص ۱۳۵ - ۱۳۰.

طرف دیگر به جز مرگ و میرهای مستقیم که به واسطه حملات توپخانه‌ای به بنادر و جزایر و با آتش زدن شهرها و یا مساجد و کشتی‌هایی که ملوانان و مسافران در آنها حضور داشتند روی داد، غارت و تخریب امکانات و آتش زدن و غرق کشتی‌ها منجر به ورشکستگی بسیاری از صاحبان مشاغل و ناخدایان شد. بسیاری از آنان ناچار خانه‌نشین شده و یا به مشاغل دیگر روی آوردند. با نابودی زیرساخت‌های دریانوردی و کشتی‌ها و غارت اموال بنادر، قحطی گریبانگیر برخی مناطق از جمله بحرین که در محاصره ناوگان پرتغالی‌ها قرار داشت، شد. هراس از قتل و کشتار در میدان جنگ و یا ادامه این وضع در آینده سبب می‌شد بسیاری چاره را در رفتن به روستاهای درون جزیره بحرین و یا مهاجرت به ایران و عراق ببینند. از آنجایی که در مقاطع مختلف تهاجمات پرتغالی‌ها، شهرها و روستاهای واحه احسا و برخی روستاهای واحه قطیف از صحنه تهاجمات پرتغالی‌ها دور بودند و هم‌زمان سوار شدن بر کشتی و حرکت در مسیر ایران و عراق و یا هند با احتمال مواجه شدن با ناوگان دزدان دریایی و یا کشتی‌های نظامی پرتغالی همراه بود، سواحل شبه‌جزیره و به‌خصوص واحه احسا نزدیکترین پناهگاه برای کسانی بود که به دنبال فرار از میدان جنگ بودند و این در نهایت به کاهش جمعیت بنادر و جزایر مهم و کاهش سطح روابط تجاری بنادر و جزایر منجر شد.^۱

ج) تغییر ماهیت روابط میان ساحل‌نشینان در ابعاد محلی

در ابعاد محلی در حوزه خلیج فارس کاهش سطح روابط میان بنادر و جزایر محلی بروز یافت و در ادامه به واسطه تأثیر عوامل نظامی و سیاسی نوعی تغییر در ماهیت مناسبات ساحل‌نشینان روی داد. به این معنی که با تسلط پرتغالی‌ها بر برخی از بنادر و جزایر از جمله مراکز مهم تجارت و جمعیتی در خلیج فارس و تلاش حکومت صفوی و عثمانی برای تحت کنترل قراردادن بخش دیگری از بنادر خلیج فارس نوعی دودستگی و دشمنی میان حاکمیت سیاسی بنادر و جزایر بروز یافت. درحالی‌که تا قبل از آن همه بنادر و جزایر در یک نظام و سیستم یکپارچه اجتماعی و فرهنگی و به عبارتی در یک شبکه گسترده و یکپارچه اقتصاد دریایی قرار داشتند،^۲ با ظهور عناصر استعماری و تسلط آنها بر بخش‌هایی از بنادر و جزایر، نوعی دشمنی روزافزون میان برخی مراکز به واسطه تضاد منافع قدرت‌های حاکم بروز یافت که این شرایط تا امروز نیز ادامه دارد. این مهم به‌طور خاص در مورد بروز تعارض میان جزیره هرمز و بحرین (تحت سیطره پرتغال) و

۱. جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۴۸۹ - ۴۸۰؛ الدروره، *تاریخ الاحتلال البرتغالی للقطیف*، ص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ قائم مقامی، *مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال*، ص ۴۸۱ - ۴۷۲ و ۴۸۸ - ۴۸۳؛ جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۶۹ - ۶۳ و ۷۶ - ۷۱.

۲. همان، ص ۴۸۸.

بحرین ساحلی (تحت سیطره عثمانی) و یا جزیره بحرین، بندر بوشهر و بندر عباس (تحت سیطره صفویان) در دوره‌های متعدد بروز یافت که تبعات اجتماعی و اقتصادی زیادی را برای ساحل‌نشینان به‌همراه داشت. به هر تقدیر این نوع وقایع زمینه‌ساز کاهش جمعیت بنادر و به‌خصوص از بین رفتن گروه‌های بانفوذ در بنادر و جزایر مهم شد. این وضع به‌خصوص در مورد دو جزیره بحرین و هرمز که جمعیت انبوهی از تجار و ملوانان در آنها حضور داشتند تأثیرات اجتماعی بیشتری را به‌همراه داشت. چنان‌که ذکر شد پرتغالی‌ها بر کشتی‌های نظامی و توپ و اسلحه اتکا داشتند و به‌دلیل وسعت بسیار زیاد امپراطوری آنان در دریاها بیشتر سعی داشتند با ایجاد قلعه‌های نظامی مستحکم و استقرار نیروها در آن قلمرو خود را حفظ کنند. این قلعه‌ها در واقع خود پناهگاه‌هایی بودند که پرتغالی‌ها را در مواقعی که کشتی‌های نژاکی از صحنه دور بودند در برابر قیام و هجوم بومیان حفظ می‌کردند.^۱ در واقع تجربه پرتغالی‌ها در تخریب امکانات دریایی سرزمین‌های اسلامی و پناه بردن به قلعه‌های مجهز به توپ^۲ از آنجایی که برای نخستین بار در تاریخ جهان بروز یافته بود به‌عنوان یک تجربه تلخ از سوی بسیاری از قدرت‌های اروپایی تکرار نشد. انگلیسی‌ها چنان‌که در دوره قاجار ملاحظه شد، در نقطه مقابل پرتغالی‌ها خود را به‌عنوان حامی امنیت دریاها معرفی کرده و سعی کردند با کنار گذاشتن روش‌های خشن طلایه‌داران استعمار (پرتغالی‌ها) به روش‌های مسالمت‌آمیز متوسل شوند. هرچند تأثیر اجتماعی اقدامات آنان برای شیعیان خلیج فارس به مراتب مخرب‌تر از دوره پرتغالی‌ها بود.^۳

تأثیرات ثانویه حضور استعمار در حیات اقتصادی و اجتماعی ساحل‌نشینان

در بعد تأثیرات اولیه، بحث هجوم و تخریب‌های گسترده ناشی از ظهور پدیده استعمار مطرح است که در بالا به مواردی از آن به‌صورت نمونه اشاره شد. این جریان سبب تخریب بخش‌های مهمی از بنادر و جزایر خلیج فارس و امکانات دریایی این مناطق شد. تأثیرات ثانویه، تأثیراتی است که به مرور زمان و بعد از گذشت یک دوره زمانی مشخص و به‌تدریج در مناسبات اجتماعی و اقتصادی ساحل‌نشینان بروز یافت و باعث کاهش قدرت اقتصادی و سطح و کیفیت مناسبات اجتماعی ساحل‌نشینان شد. برای نمونه موضوع اصل و اساس تجارت دریایی را می‌توان مثال زد. در این سیستم معاملات بر اساس سیستم سلف

1. Sousa, *The History of the die couruy and Conquest of India*, P. 126, 152-154, 165-167; Milles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 155-156; Birch, *The Commentaries of the Great Afonso d'Albuquerque*, vol. 1, P. 72-75, 76-84, 68-669, 75-90, 93.

2. Sousa, *The Portuguese Asia*, P. 129-136; Aubin, *Gojeatar et Albuquerque*, P. 99-134; Pedro Teixeira, *The Travel of Pedro Teixeira*, P. 138, 189; Bishop, *The first age of Portuguese embassies*, P. 18-19, 27-29.

۳. قائم مقامی، *مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال*، ص ۴۸۷ - ۴۸۵؛ جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ص ۷۴ - ۶۹.

صورت می‌گرفت و تاجران یا افرادی که بنیه مالی قوی‌تری داشتند در بنادر و جزایر و یا در شهرهای مهم چون شیراز، بغداد، بصره و غیره، بخشی از پول خود را در اختیار ناخدایان قرار می‌دادند و ناخدایان با این پول هزینه سفرهای تجاری و خرید کالا و هزینه دستمزد ملوانان را پرداخت می‌کردند^۱ و بعد از بازگشت از سفر با تقسیم سود حاصل از تجارت، میان تاجران، ملوانان، ناخدایان و غیره معاملات در یک فصل از سال پایان می‌پذیرفت. یا در مورد تجارت سلف در حوزه مروارید که مهم‌ترین بستر معاملات تجاری در خلیج فارس بوده است، طبق گفته سدیدالسلطنه کبابی اصل بر همان سیستم معاملات سلف بود^۲ و امر تجارت به این شکل صورت می‌گرفت که تاجران چند ماه قبل از آغاز فصل صید مروارید بخشی از هزینه‌های مربوط به استخدام ملوانان و تأمین تجهیزات و امکانات لازم برای صید از جمله استخدام غواصان را در اختیار ناخدایان قرار می‌دادند و ناخدایان با این سیستم سلف تمامی مراحل صید تا عرضه مروارید در بازار را صورت داده و تجار تنها در مرحله نهایی در بازار خرید و فروش مروارید حضور یافته و براساس تقدم، فردی که مبلغ بیشتری به‌عنوان سلف در اختیار ناخدا قرار داده بود، مروارید به آن تاجر فروخته می‌شد و از این محل دستمزد همه عوامل دخیل در صید و تجارت مروارید پرداخت می‌شد. در اینجا آنچه اهمیت دارد و در اغلب نامه‌های ارسالی به اروپا و در گزارشات موجود به آن اشاره شده است، نیروهای استعماری با دخالت‌های نابجا در این امر و تخریب امکانات دریایی و یا آتش زدن کشتی‌های صید مروارید در موسم صید و یا بستن عوارض سنگین بر روی صیدگاه‌های مروارید باعث برهم‌خوردن تعادل و برنامه‌های مبتنی بر معاملات سلف می‌شدند و به تدریج با گذر زمان نوعی نابسامانی را در فرایندهای تجاری و فرایندهای صیادی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس ایجاد می‌کردند که در نهایت به ضرر مالی هنگفت برای تاجران و ناخدایان منتهی می‌شد.

در حوزه تأثیرات اقتصادی، تغییر مسیرهای سنتی تجارت از حوزه خلیج فارس و دریای سرخ به جنوب آفریقا ضربه مهلکی را بر سیستم حمل‌ونقل کالا و سیستم تبادل کالاهای سنتی به وجود آورد. به این معنی که کشف دماغه امید نیک هرچند برای اروپایی‌ها یک امید و آینده روشن را به همراه داشت و از این‌رو به آن دماغه «Good Hope» یا دماغه «امید نیک» گذاشتند و در عربی نیز به آن «رأس رجاء الصالح» می‌گویند اما این برای شرقی‌ها دماغه ناامیدی بود و از این جهت که مسیر کالاهای ترانزیتی را از مسیر بنادر مهم خلیج فارس و حوزه دریای سرخ تغییر داد و آن را به جنوب اقیانوس هند و جنوب

۱. این سیستم از دوران باستان در روابط تجاری حوزه دریاها رواج داشته است و در سراسر دوره اسلامی به آن اشاره شده

است: برای نمونه رک: قاسمیان، *شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و هویت تاریخی*، ص ۸۷ - ۶۴

۲. سدیدالسلطنه کبابی، *صید مروارید (المناص فی احوال النوص و النواص)*، ص ۹ - ۶ و ۳۲ - ۲۸؛ تجلی‌پور، *نرم‌ننان مرواریدساز خلیج فارس*، ص ۹۳ و ۱۰۶.

آفریقا منتقل کرد، از این جهت ضربه مهلکی را بر اقتصاد بومیان وارد نمود. از آن پس مهم‌ترین کالاهای ترانزیتی هند و چین به ایران، عثمانی و آفریقا و بالعکس مهم‌ترین کالاهایی که از جهان اسلام و ایران به هند و چین منتقل می‌شد نه تنها در انحصار شرکت‌های اروپایی قرار گرفت بلکه مسیر حمل‌ونقل آنها نیز تغییر کرد و بخش مهمی از این کالاها به اروپا منتقل شد. از این رو، سنت‌های محلی که بستر تعاملات میان ساحل‌نشینان بود به هم خورد و کالاها که مهم‌ترین زمینه و بستر برای تعاملات اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی میان ملل شرق و غرب بودند از آن پس در انحصار شرکت‌های اروپایی قرار گرفت. بخشی از کالاهایی که در اختیار بومیان قرار داشت به واسطه اینکه پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها مالیات‌های سنگینی بر آنها وارد می‌کردند، با قیمت‌های گزاف‌تری عرضه می‌شد و این سبب نوعی برهم‌خوردن سیستم اعتماد در بازارهای محلی حوزه اقیانوس هند شد. طی همین دوره عثمانی‌ها بارها با اعلام مقابله با استعمار پرتغال و کمک به مردم بحرین و قطیف یا بهانه‌های دیگر به جزیره بحرین و سواحل قطیف حمله می‌کردند^۱ که همگی با ضرر و زیان تجار و صیادان محلی همراه بود.^۲ از آن پس، قطیف شاهد حملات مکرر و خرابی نخلستان‌ها و ویرانی روستاها به سبب غارت و آتش زدن مزارع از طرف سپاهیان عثمانی و قبایل متحد آنان بود.^۳ وضع مالیات‌های سنگین^۴ و مصادره اموال روستاها مردم خسته از سال‌ها تجاوز و گرفتار فقر و ناامنی را به ستوه آورده و به جای اعتراض ناچار به مهاجرت بودند.^۵ وضع مالیات‌های سنگین بر گمرک و راهداری و عوارض بین‌راهی سبب می‌شد کالاهای تجار محلی با هزینه‌های دوچندان عرضه شود و برخی تجار برای اینکه متضرر نشوند به ناچار بر قیمت کالاهای خود بیفزایند و این سبب گران شدن کالا و در عین حال ناراضی مصرف‌کنندگان و در نهایت نوعی تعارض و واگرایی عناصر قومی و مذهبی در حوزه اقیانوس هند نسبت به یکدیگر می‌شد.

هرچند پرتغالی‌ها در مصادره کشتی‌ها، ضربه زدن به اموال شیعیان و آتش زدن کشتی‌های بومیان به قصد کسب انحصار در فعالیت‌های دریایی و از بین بردن مقاومت مردم در تاریخ محلی مثال زدنی شدند و داستان‌ها و روایات بسیاری در میان اهالی نقل محافل شده است، اما نیروی دریایی عثمانی که

1. Miles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 172-182; orhonlu, '1559 Bahreyn seferine bir rapor', *Tarih Dergisi*, P. 4-9, 14-16.
2. Saffet, "Bahreyn do bir vakia", *Tarihi Osmani Encumeni Mecmuesi*, P. 1139-1145; Sousa, *The Portuguese Asia*, P. 199-201; Ozbaran, "Korfezden bir oyku: 1559 Bahreyn Trajedisi", *Ozbaran*, P. 162-171.

۳. الوهبی، *بنو خالد و علاقتهم بنجد*، ص ۱۳۹ - ۱۳۸؛ همان، *مجله الوثیقه*، عدد ۴، ص ۱۳۹ - ۱۳۳.

۴. همان، ص ۱۲۱؛ ویسلون، *الخلیج الفارسی*، ص ۲۲۰.

۵. شاکر، «التنظیمات الإداریه العثمانیه فی ایاله البصره»، *مجله دراسات الخلیج و الجزیره العربیه*، ص ۱۲۹؛ مرضی الفتح، *الایجاز فی تاریخ البصره و احسا و...*، ج ۴، ص ۴۷۳ - ۴۷۲ و ۴۶۴.

دریاها را در انحصار پرتغالی‌ها می‌دیدند، به بهانه ضربه زدن به تجارت دریایی کفار مسیحی یا پرتغالی‌ها با این تصور که استعمارگران از این امکانات برای تقویت نفوذ خود بهره خواهند برد، اقدام به تخریب امکانات دریایی بحرین، احسا و قطیف و کلیه امکانات محلی جزایر و بنادر محلی کردند.^۱ فشار شدید بر معدود ناوگان‌های قایق و کشتی برجای مانده از تخریب‌های چند دهه اخیر به‌شکل وضع مالیات بر کشتی‌ها و آزار و اذیت ملوانان و ناخدایان برای رعایت قوانین گمرکی وضع شده از سوی پرتغالی‌ها که عموماً با مقاومت ناخدایان محلی همراه بود، شرایط جدیدی را برای شیعیان ایجاد کرد. چراکه اغلب صاحبان کشتی‌ها از اهالی بحرین یا قطیف بودند. برخورد پرتغالی‌ها با کسانی که در حال تهیه مقدمات قیام سراسری بودند بسیار شدید بود. بسیاری جان خود را از دست داده و یا به جزایر دوردست اقیانوس هند و اطلس تبعید می‌شدند. با این وضع شیعیان در بدترین شرایط تاریخی از امکاناتی که قرن‌ها برای تهیه مایحتاج و روزی خود از آن بهره می‌بردند محروم شدند.^۲

در بعد دیگر تلاش اروپایی‌ها برای انحصار در خرید و فروش کالاها ضررهای هنگفتی را بر دوش تجاری که براساس معاملات سلف برنامه‌ریزی کرده بودند وارد می‌کرد. تجاری بودند که برای خرید آهن، منسوجات و ادویه از چین و هند سرمایه هنگفتی را قرار داده بودند و چندین ناخدا برای این افراد برنامه زمان‌بندی سفر خود را هماهنگ کرده و یا تعداد زیادی ملوان و امکانات دریایی را برای این منظور استخدام کرده بودند. با اقدام اروپایی‌ها مبنی بر انحصار تجارت یک کالای خاص، ناخدایان طی یک سفر طولانی به هند با فقدان کالا مواجه می‌شدند و یا حتی در صورت خرید کالا در بین راه با حملات، تخریب و توقیف کشتی و مصادره کالاها از سوی عوامل استعماری مواجه می‌شدند. این سیستم نابرابر عرضه و تقاضا و عدم آزادی عمل در دریاها سبب متضرر شدن هزاران تاجر، ناخدا و ملوان در دریاهای آزاد و خلیج فارس شد. ورشکستگی و ضرر و زیان‌های مالی، بروز اختلاف و دشمنی میان تجار، ملوانان و ناخدایان از جمله مسائل مهمی بود که در این مسیر پیش می‌آمد و همگی به ضرر اقتصاد محلی و به نفع اقتصاد مبتنی بر مرکانتیلیسم اروپایی تمام شد. در برخی مقاطع اهالی با مشاهده ظلم و ستم سپاهیان پرتغالی دست به دامن دربار صفوی و یا عثمانی می‌شدند و این زمینه کینه‌توزی نیروهای پرتغالی و یا عثمانی بود.^۳ در چنین شرایطی با مقابله‌به‌مثل پرتغالی‌ها وضعیت به‌مراتب برای شیعیان بدتر می‌شد.

1. Salih, *Korfezden bir oyku*, P. 162-171.

2. Miles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 192-194.

قائم مقامی، مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال، ص ۴۸۶؛ جمعی از نویسندگان، اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال، ص ۶۹.
۳. الدروره، تاریخ الاحتلال البرتغالی للقطیف، ص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ وثوقی، تاریخ خلیج فارس و سرزمین‌های هم‌جوار، ص ۳۲۲؛ عنانی، البرتغالیون فی البحرین و حولها، ص ۷۸ - ۷۲.

واکنش پرتغالی‌ها با تحمیل مالیات و عوارض سنگین‌تر بر کالاهایی که به‌قصد مناطق تحت نظارت عثمانی و یا ایران صادر می‌شد باعث افزایش شدید قیمت کالا می‌شد.^۱

در دوران حضور انگلستان در مناطق جنوبی خلیج فارس بارها پیش می‌آمد که یک تاجر و یا یک ناخدای ایرانی بر اثر مواجه شدن با این سیستم نابرابری و انحصار قادر به تأمین منابع مالی که متعهد به برآورده کردن آن بود نمی‌شد و در برابر عوامل استعماری و شیوخ محلی به بهانه کوتاهی ناخدای ایرانی در انجام وظایف او را مقصر وانمود کرده و حتی با مجازات اعدام مواجه می‌کردند. در حالی که مقصرین اصلی این وضع با این اعدام‌ها بر قدرت و نفوذ خود در منطقه می‌افزودند و با سیستم تحت‌الحمایگی، شیوخ را بیش از پیش به خود وابسته کرده و آنان را وادار به از بین بردن نمادها و نشانه‌های استقلال اقتصادی محل یعنی تاجر و ناخدایان محلی مستقل از سیستم استعمار می‌کردند.

برنامه شیعه‌زدایی از سیستم‌های محلی و ایرانی‌زدایی و عثمانی‌زدایی و تقویت گرایش‌ها به غرب و استعمار یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شیخ‌نشین‌های خلیج فارس طی دو سده اخیر بوده است.^۲ به‌هرحال، سیستم سنتی معاملات که طی قرن‌ها به خوبی عمل کرده بود با ورود عناصر انحصارطلب در دریاها به حاشیه رفت و این بزرگترین ضربه را بر پیکره تعاملات دریایی در خلیج فارس و حوزه اقیانوس هند وارد کرد.

به‌هرحال، دو گروه پرتغالی‌ها و عثمانی‌ها در برخورد با شیعیان محلی رفتارهای غیرانسانی بسیاری مرتکب شدند و این به تضعیف بنیه اقتصادی و تحلیل نیروهای اجتماعی شیعیان منجر شد. آنچه در شرایط عصر جدید اهمیت داشت آنکه هر دو قدرت عثمانی و پرتغالی به‌دنبال بهره‌برداری مادی از ثروت‌های طبیعی مناطق ساحلی و جزایر جنوبی خلیج فارس بودند.^۳ شیعیان که قرن‌ها بدون کمترین برخورد با چنین شرایطی زمینه ایجاد یک شبکه درهم‌تنیده از مناسبات اجتماعی و فرهنگی را در درون و بیرون سرزمین‌های خود ایجاد کرده بودند، در شرایط سده ۱۰ و ۱۱ هجری، گرفتار یک بحران ناخواسته خارجی شدند که بر حیات اجتماعی و فرهنگی آنان تأثیر گذاشت. هر دو گروه اروپایی و عثمانی در مصادره اموال و تخریب و نابودی امکانات محلی دریغ نمی‌کردند. در متون این دوره از رفتارهای غیرانسانی عثمانی‌ها با مردم محل یاد شده که قتل‌عام مردم، بریدن دست و پا و گوش و یا کندن پوست

1. Sousa, *de Fariay The History of the die couruy and Conquest of India*, P. 126,152-154,165-167, Milles, *the countries and tribes of the Persian Gulf*, P. 155-156.

۲. قاسمیان، *شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و هویت تاریخی*، ص ۱۳۲ - ۱۲۷؛ وثوقی، *تاریخ مفصل لارستان*، ص ۲۷۲ - ۲۷۰ و ۳۶۴ - ۳۷۳.

3. S. Özbaran, *The Ottoman Turks and the Portuguese in the Persian Gulf*, P. 45-87; Özbaran, *The Ottoman Response to European Expansion*, P. 57-119.

آنان، آتش زدن شهرها، مساجد و کتابخانه شیعیان بعد از اعلام مباح بودن غارت اموال مساجد و یا ذبح کودکان در برابر چشم والدین، نمونه‌هایی از رفتارهای غیرانسانی آنان بود.^۱

نتیجه

بررسی ابعاد مختلف حیات اجتماعی شیعیان منطقه جنوب خلیج فارس و مقتضیات تاریخی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی نشان می‌دهد که تشیع نه تنها در حیات اقتصادی و مناسبات تجاری ساحل‌نشینان مؤثر بوده است، بلکه در مناسبات اجتماعی و فرهنگی و تطورات و تعاملات فکری این منطقه با مناطق و حوزه‌های فرهنگی هم‌جوار از جمله حجاز، عراق، ایران و هند نقش بسزایی داشته است. تا قبل از سده دهم هجری سلسله حکمرانان محلی وابسته به مراکز عمده جهان اسلام اغلب شیعه بوده و نقش بسزایی در تقویت هویت اجتماعی شیعیان داشته‌اند و در سایه این حکومت‌ها شخصیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری در سرزمین بحرین و احسا رشد یافتند و در ابعاد علمی و فرهنگی شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس طی دوران اسلامی نقش بسزایی در رشد و تعالی هویت و مکتب شیعه و حفظ و تعالی آن به‌عنوان یک میراث جمعی داشته‌اند. در بعد اقتصادی که اساس حیات اجتماعی ساحل‌نشینان را در بر می‌گیرد تشیع به‌عنوان یک مبنا در تقویت مناسبات اقتصادی و تجاری ساحل‌نشینان عمل کرده است. اما طی سده ۱۰ و ۱۱ هجری قمری، هم‌زمان با استقرار حکومت یکپارچه شیعه در ایران در سایه حکومت صفوی که می‌توانست بستری برای تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی ساحل‌نشینان سواحل جنوبی خلیج فارس با ایران مرکزی باشد، نوعی تفکر نوین برخاسته از اروپای عصر رنسانس در قالب فرهنگ مراکنتیلیسم و استعمار سرزمینی و با ابزار تبلیغی استعمار فرهنگی بر ساحل‌نشینان سراسر حوزه اقیانوس هند و به‌خصوص منطقه خلیج فارس تحمیل شد. اینکه این شرایط متعارض قبل و بعد از ظهور عصر استعمار و فرازوفرود شرایط تاریخی چه تأثیری بر هویت و حیات اجتماعی شیعیان و تعاملات اجتماعی آنان داشته است جای بحث و تحقیق دارد. هرچند بررسی ابعاد حضور و نقش مستقیم و غیرمستقیم استعمار پرتغال در حیات اجتماعی شیعیان نشان‌دهنده عمق تأثیرات منفی این جریان بر حیات اجتماعی شیعیان است، اما هویت و میراث تاریخی و علمی شیعیان طی این دوره طولانی به‌واسطه اتکای شیعیان بر فرهنگ خاص عدالت‌خواهی و مبتنی بر آموزه‌های دینی، کمتر مورد تهدید و تعرض قرار گرفت و شیعیان به‌واسطه وجود نوعی خودآگاهی نسبی در میان رهبران دینی شیعه نسبت به مقتضیات سده ۱۰ و

۱. المعبری الملبیاری، *تحفه المجاهدین فی أحوال البرتغالیین*، ص ۲۶۴ - ۲۶۲؛ ویلسون، *الخلیج الفارسی*، ص ۶۶ - ۶۹؛ فیلیس، *تاریخ عمان*، ص ۵۰ - ۴۱.

۱۱ هجری، از این شرایط عبور کردند و هرچند طی سده‌های بعد شرایطی به مراتب سخت‌تر بر جوامع محلی حاشیه دریا گذشت، مجموع این شرایط مانع از ادامه حیات علمی و فرهنگی جوامع محلی شیعه نشد.

منابع و مأخذ

۱. آل عبد القادر، محمد بن عندالله، *تحفه المستفید، تاریخ الأحساء فی القديم و الجدید*، ریاض، مکتبه المعرف بالرياض و مکتبه الأحساء الأهلیه، الطبعة الثانية، ۱۹۸۲ م.
۲. ابن بالهد النجدی، محمد بن عبد الله، *صحیح الأخبار عما فی بلاد العرب من الآثار*، القاهرة مطبعة السنه المحمدیه، مطبعة الامام، مطبعة السعاده، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۱ م.
۳. ابن رزیک، حمید بن محمد، *الشعاع الشائع باللمعان فی ذکر ائمه عمان*، تحقیق المنعم عامر، سلطنه عمان، وزرات التراث القومي و الثقافة، ۱۹۸۴ م.
۴. ارنولد، ویلسون، *الخليج الفارسی*، منشورات وزاره التراث القومي و الثقافة، سلطنه عمان، ۱۹۸۸ م.
۵. ازکوی، سرحان بن سعید، *تاریخ عمان المقتبس من کشف الغمه*، حقه عبدالمجید حسیب القیسی، سلطنه عمان، وزرات التراث القومي، ۱۹۸۶ م.
۶. استانفورد جی، شاو، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضانزاده، ج ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۷. استرآبادی، میرزا مهدی خان، *دره نادره*، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۸. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ ق.
۹. اقبال، عباس، *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۲۸.
۱۰. بحرانی، یوسف، *لؤلؤه البحرین*، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریه، بی تا.
۱۱. الوهبی، عبدالکریم ابن عبدالله المنیف، بنو خالد و علاقته‌م بنجد، ریاض، دار ثقیف للنشر و التوزیع، ۱۹۸۹ م.
۱۲. بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم، *تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک*، به کوشش عباس انجم‌روز، تهران، ۱۳۳۹.

- ۱۰۷ □ بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی ظهور استعمار بر شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس در عصر صفوی
۱۳. پورگشتال، هامر، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، تهران، زرین، ۱۳۶۷.
۱۴. تجلی پور، مهدی، نرم تنان، مروارید ساز خلیج فارس، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۵۲.
۱۵. تحیری، احمدرضا، *دور علماء شیعه بالبحرین فی العلوم الاسلامیه*، قم، دار النشر الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۷ ش.
۱۶. شاکر، علی، «التظیمات الإداریه العثمانیه فی ایاله البصره»، *مجله دراسات الخلیج و الجزیره العربیه*، سال ۳۵، ۹ رمضان ۱۹۸۳ م.
۱۷. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. جمعی از نویسندگان، *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال*، ترجمه مهدی آقامحمدزنجانی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
۱۹. حائری، عبد الهادی، *نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۲.
۲۰. حائری، عبد الهادی، «امپراطوری عثمانی و دورویه تمدن بورژوازی غرب»، *جستارهای نوین ادبی*، ش ۶۹، ص ۴۳۵ - ۳۲۵، تابستان ۱۳۶۴.
۲۱. خضیر نعمان، العیید، *البحرین من امارات الخلیج العربی*، ط ۱، بغداد، مطبعه المعارف، ۱۹۶۹ م.
۲۲. خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ترجمه محمدباقر ساعدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۵.
۲۳. الدروره، علی بن ابراهیم، *تاریخ الاحتلال البرتغالی للقطیف*، ابوظبی، المجمع الثقافی، ۲۰۰۱ م.
۲۴. دلاواله، پیتر، *دو سفرنامه*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۲۵. السالمی، عبد الله بن حمید، *تحفه الاعیان بسیره اهل عمان*، دهلی، الجز الثانی، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م.
۲۶. سدیدالسلطنه کبابی، محمد علی، *صید مروارید (المناص فی احوال الغوص و النواص)*، تهران، کتابخانه طهران، ۱۳۰۸.
۲۷. سنان، محمود بهجت، *البحرین دره الخلیج العربی*، بغداد، بی نا، ۱۹۶۳.
۲۸. السیابی، سالم بن حمود، *شامس، اسعاف الاعیان فی أنساب اهل عمان*، ج ۲، بیروت، بی نا، ۱۹۶۵.
۲۹. السیابی، سالم بن حمود، *عمان عبر التاريخ*، سلطنه عمان، وزاره التراث القومي و الثقافه، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. سیف، مرزوق، *دول الخلیج العربی و اماراته - مؤتمر الأدباء العرب الخامس المنعقد فی شباط*، ۱۹۶۵ م، بغداد، مطبعه العانی، ۱۹۶۵ م.

۳۱. شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴.
۳۲. عاملی امین، محسن امین، *اعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۳۳. عبدالرحمن عانی، عبدالکریم، *البحرین فی صدر الاسلام*، ج ۱، بیروت، الدار العربیه للموسوعات، چ اول، ۱۴۲۱ ق.
۳۴. حائری، عبدالهادی، «امپراطوری عثمانی و دورویه تمدن بورژوازی غرب»، *ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۱۸، ش ۲، مشهد، تابستان ۱۳۶۴.
۳۵. عنانی، احمد، «البرتغالیون فی البحرین و حولها»، *الوثیقه*، عدد ۴، س ۲، ش ۱، سال ۱۹۸۴ م.
۳۶. فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاهعباس اول*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۳۷. فیلیس، وندل، *تاریخ عمان*، ترجمه محمد امین عبدالله، سلطنه عمان، منشورات وزاره التراث القومی و الثقافه، ط ۳، ۱۹۸۹ م.
۳۸. قاسم، جمال ذکریا، *الاوراض السیاسه فی الخلیج العربی ابان الغزو البرتغالی، ابهاث ندوه و أس الخیمه التاریخیه الجزء الاول*، رأس الخیمه، ۱۴۰۸ هـ، ۱۹۷۸ م.
۳۹. القاسمی، الدكتور سلطان بن محمد، *دزدان دریایی در خلیج فارس*، ترجمه دکتر محمدباقر وثوقی، تهران، نشر همسایه، ۱۳۸۳.
۴۰. قاسمیان، سلمان، شیخ نشین های خلیج فارس و هویت تاریخی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۹.
۴۱. قائم مقامی، جهانگیر، *مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال، اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس*، دو جلد، چ دوم، در مجموعه مقالات خلیج فارس، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
۴۲. کخاله، عمررضا، *معجم المؤلفین*، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، بیروت، چاپ افست، بی تا.
۴۳. ماتیر، توماس، *الجزر الثلاث المحتله لدوله الامارات المتحدله العربیه، طناب کبری، طناب صغری و ابوموسی*، ابوظبی، مرکز الدراسات و البحوث الاستراجیکه، ۲۰۰۵ م.
۴۴. *مجله الوثیقه*، عدد ۴، ص ۱۳۲-۱۲۱، منامه، مرکز الوثائق التاریخیه بدیوان امیر دوله البحرین، ربیع الآخر سنه ۱۹۸۴ م.
۴۵. المحدث النوری، المیرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت لأحیاء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ ق.
۴۶. مرضی الفتح، عارف، *الایجاز فی تاریخ البصره و احسا و نجد و الحجاز*، بغداد، دار العربیه للموسوعات، ۲۰۰۹ م / ۱۴۳۰ ق.

۱۰۹ □ بررسی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی ظهور استعمار بر شیعیان سواحل جنوبی خلیج فارس در عصر صفوی

۴۷. المسلم، محمد سعید، *ساحل الذهب الأسود*، بیروت، دار مکتبه الحیاه، ط ۲، ۱۹۶۲ ق.
۴۸. مظفر، محمد حسین، *تاریخ شیعه*، ترجمه و نگارش سید محمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۴۹. المعبری الملبیاری، الشیخ أحمد بن زین الدین، *تحفه المجاهدین فی أحوال البرتغالیین*، تقدیم و تحقیق محمد سعید الطریحی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۵ م.
۵۰. میرفندرسکی، احمد، *امپراطوری مستعمراتی پرتقال در هند*، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۱.
۵۱. نبهانی، محمد بن خلیفه، *التحفه النبهانیه فی تاریخ الجزیره العربیه*، ط ۲، القاہرہ، المطبعه المحمدیه، ۱۳۴۲ ق.
۵۲. هابسون، جان، *ری‌شہ‌های شرقی تمدن غرب*، ترجمه مسعود رجبی، موسی عنبری و شہنار ترکان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۵۳. هاولی، دونالد، *دریای پارس و سرزمین‌های متصل*، (امارات متحده عربی)، ترجمه حسن زنگنه، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۷.
۵۴. وادالا، رامی، *خلیج فارس در عصر استعمار*، ترجمه محمد شفیع جوادی، تهران، کتاب سحاب، ۱۳۶۴.
۵۵. وثوقی، محمدباقر، *تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس*، شیراز، *دانشنامه فارس*، ۱۳۸۰.
۵۶. وثوقی، محمدباقر، *تاریخ مفصل لارستان*، لار، همسایه، ۱۳۸۵.
۵۷. وثوقی، محمدباقر، *تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۵۸. وسینچ، وین و، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه سهیل آذری، تبریز، کتاب‌فروشی تهران با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۶۴.
۵۹. ویلسون، آرنولد، *الخلیج الفارسی*، سلطنه عمان، منشورات وزاره التراث القومی والثقافه، ط ۳، ۱۹۸۸ م.

60. Aubin, Jean, 'Gojeatar et Albuquerque', *Mare Luso-Indicum*, V. I, 1971,

61. Aubin, Jean, "Le Royaume d'ormuz au debut au XVI SiecLe," *Mare Luso-Indicum II*, 1973.

62. Bishop, Ronald, *The First Age of Portuguese Embassies*, Bethesda. 1970

63. Busch, K, *Britain and The Persian Gulf*, 1894-1914, Berkeley University of California Press, 1967.

64. orhonlu, Cengiz '1559 Bahreyn seferine bir rapor', *Tarih Dergisi*, 17, 1967.

65. Floor, Willem, *The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities 1500-1700*, United State of America, Mage publisher. 2006.

66. Kelly, j. B, *Great Britain and the Persian Gulf, 1795-1880*, Oxford university press. 1968.
67. Lorimer, J G., *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and central Arabia*, Calcutta, 1908-1915, Republished by grey International West Mead ,England. 1986.
68. Mandaville, Jon E, The Ottoman Province of al-Hasā in the Sixteenth and Seventeenth Centuries, *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 90, No. 3, pp. 488-510, Jul-Sep, 1970
69. Miles, the *Countries and Tribes of the Persian Gulf*, London, frank Cass and co. ITD, Second edition, 1966.
70. Özbaran, S. 'The Ottoman Turks and the Portuguese in the Persian Gulf, 1534-1581', *Journal of Asian History*, 6 (1972), 45-87; repr. S. Özbaran, *The Ottoman Response to European Expansion* (Istanbul, 1994).
71. Saffet Bey, "Bahreyn do bir vakia", *Tarihi Osmani Encumeni Mecmuesi*, 3, 1328/1910.
72. Saldanha, J, *a: Precise of the Persian Gulf*, 1870-1904, Archive edition, London, 1986.
73. Ozbaran, Salih "*Korfezden bir oyku: 1559 Bahreyn Trajedisi*", in Ozbaran, *Yemen'den Basra'ya, ????*.
74. Serjeant, R. B, *The Portugueses of the south Arabia Coast*, Oxford, 1963
75. Sousa, Faria, *The Portuguese Asia*, translated in to English by John Stevens, London, 1965.
76. Sousa, Manuel de Fariay, *The History of the die couruy and Conquest of India*, Trans By: Jhon Stevens, 2 nd. Ed. Vol. 1 W. Germany, 1971.
77. Teixiera, Pedro, *The Travel of Pedro Teixiera*, translated by Sinclair, London. 1902
78. Birch, waherde gray, ????, *The Commentaries of the Great Afonso d'Albuquerque*, translated by Wal _ ter de Gray Birch, New York, 1970,
79. Toye P. L., *the Lower Gulf Islands: Abu Musa and the Tonbs*, London, Archive Edition, 1993.
80. Wilson, A, *Persian Gulf*, London, Royal Geographical Society, 1927.
81. Amirahmadi, Hooshang, *Small island, Big policies (The Tonbs and Abunusa in the Persian Gukf)* , New York, Martins press, 1996